

درهومئوتراپی (Homoeothérapie) ، استفاده از عشقه برای درمان راشی نیسم، نزله-بینی، سینوزیت، برخی اختلالات مغزی و درمان بیماری های روماتیسمی پیشنهاد شده است. **صورت داروئی-** دم کرده یا جوشانده ۴ تا ۶ گرم برگ در یک لیتر آب- دم کرده یا جوشانده ۸ تا ۱۰ گرم میوه در یک لیتر آب- گرد برگ به مقدار ۱ تا ۲ گرم مخلوط در عسل یا قند و یا در یک محلول- گرد میوه به مقدار ۰.۵ تا ۱ گرم مخلوط در عسل یا قند و یا در یک محلول. پزشکان متخصص در فیتوتراپی ، مصرف الکلاتور چوب عشقه (۱۰ گرم در هر ۱۰۰ میلی لیتر) را به مقدار ۴-۵ قطره و حداکثر ۵ مرتبه در روز، جهت درمان سرفه، مخصوصاً در سیاه سرفه توصیه نموده اند (1). در استعمال خارج، جوشانده ۳ تا ۴ سشت برگ گیاه در یک لیتر آب برای تهیه لوسیون، کمپرس و غیره بکار می رود و اثر تسکین دهنده و تقویت کننده پوست ظاهر می سازد.

پماد آرام کننده درد و ضد روماتیسم

الکلاتور برگ عشقه	۵ گرم
اسانس اورینگان (Origanum vulgare)	۲۰ قطره
لانولین	۲۰ گرم
وازلین (یا آکسونز)	۴۰۰ »

از این پماد باید به صورت مالش دادن در محل دردناک، استفاده شود مگر آنکه عضو مورد نظر دارای حالت التهابی با احساس فشار باشد که در مورد اخیر باید جوشانده گیاه و یا ضماد برگ آن بکار رود.

برای رفع حالت التهاب و تجمع شیر در پستان و همچنین بهبود زخمهای غانقراپی، برگهای تازه عشقه را له کرده، گرد زغال یا قند و دارچین خرد شده بدان می افزایند و سپس در محل دردناک یا بر روی زخم قرار می دهند.

برای معالجه کچلی، یک سشت برگ عشقه را در یک لیتر سرکه خیسانده، محلول حاصل را بر روی پوست سر به مدت ۵ تا ۱۰ شب، هنگام خواب تأثیر می دهند.

از مسارف غیر درمانی عشقه این است که پارچه های تیره رنگ اگر در جوشانده برگ عشقه شسته شود، به خوبی تمیز می گردد و حالت تازه پیدا می کنند.

محل رویش - نواحی غربی ایران، کردستان: شاهو. بعلاوه پرورش می یابد.

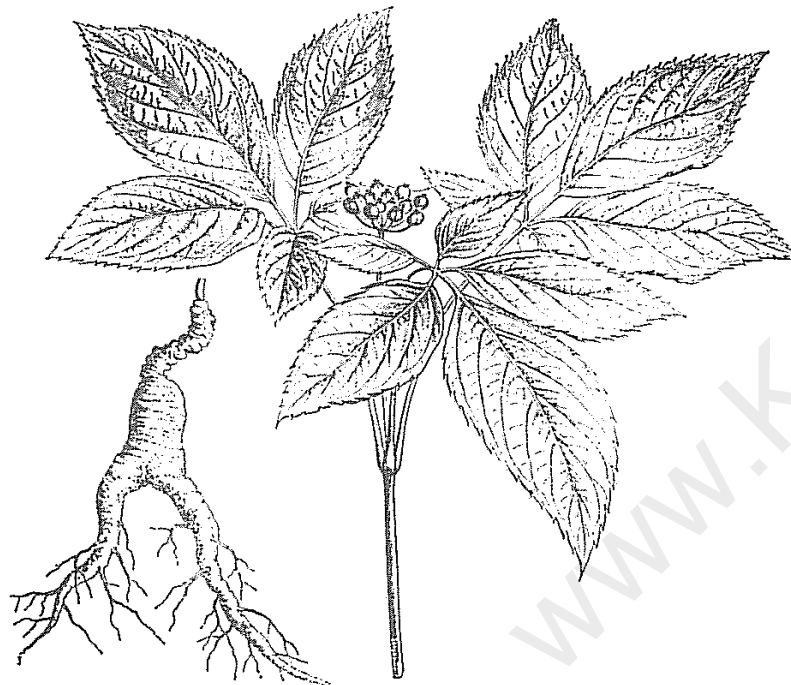
* *Panax Ginseng* C. A. Mey.

Aralia Ginseng H. Bn.

فرانسه: Ginseng، انگلیسی: Panax، ایتالیایی: Ginseng عربی: جنسه

گیاهی است که در جنگلهای انبوه نواحی کوهستانی چین و منچوری می روید و همیشه در کنار آب برها و تخته سنگهای نواحی مذکور یافت می شود و بعلاوه در مناطق مساعد پرورش می یابد.

ریشه آن متورم و برگهای آن مرکب از ۵ برگچه دراز (یا بیشتر)، نوک تین، دنداندار، به ابعاد ناساوی و منتهی به یک نقطه است. دو برگچه تحتانی آن همیشه کوچکتر از بقیه می باشد.



ش ۱۷۹ - *Panax Ginseng*: ریشه و شاخه گلدار (اندازه طبیعی)

گلهای آن به صورت گل آذین چتری، دوره هم گرد آمده اند. ریشه نوع وحشی آن که معمولاً از گیاهان سن بدست می آید، در حالت تازه، به طول ۰.۳ م. تا ۱.۲ م. می رسد و ضخامت آن در ناحیه سوش، ۵ تا ۱ سانتیمتر است.

در بازارهای داروئی، تحت نام ژین سنگ، ۳ نوع متفاوت آن به شرح زیر در معرض استفاده قرار می‌گیرد:

۱- ریشه گیاه مذکور که به ژین سنگ کره (Ginseng de Corée) موسوم است.

۲- ریشه *Aralia quinquefolia Decsene*، *P. quinquefolium* L. که ژین سنگ امریکا (Ginseng d'Amérique) نامیده می‌شود.

۳- ریشه *Sium Nizni Lour* که تحت نام ژین سنگ ژاپن عرضه می‌شود و معمولاً به عنوان تقلب به ریشه دو گیاه مذکور افزوده می‌گردد.

خلاصه بررسی‌های Gh. Vaillie در مورد ژین سنگ، فارماکولوژی و زیان زیاده روی در مصرف آن به شرح زیر است (1):

در کره (Corée)، ریشه گیاه وحشی ۱۰ تا ۳۰ ساله و حتی ۴۰ ساله را از زمین خارج می‌کنند. طول ریشه بر حسب سن گیاه، ۳۰ سانتی‌متر و قطر آن در ناحیه‌ای که ضخامت بیشتری دارد، ۵-۱۰ سانتی‌متر می‌باشد. ریشه‌ها را پس از خارج کردن از زمین و تمیز کردن، تحت اثر گرمای خورشید خشک می‌کنند و پس از آنکه ریشه‌ها از حالت نرمی خارج شدند و سخت گردیدند، آنها را تحت اثر بخار آب قرار داده مجدداً در گرمای زغال چوب (اگر گرمای خورشید خیلی زیاد نباشد) خشک می‌نمایند.

در منچوری، ریشه‌ها را پس از عاری کردن از خاک و آلودگی، می‌شویند، بدون آنکه قشر خارجی ریشه‌ها، بر اثر تماس، صدمه ببینند. سطح خارجی ریشه در این حالت، رنگ مایل به زرد دارد و چون به سهولت فاسد می‌گردد از این جهت برای نگهداری آنها، شربت غلیظی از آب و قند تهیه می‌کنند و کلیه سطوح ریشه‌ها را که در این موقع بر روی پارچه گسترده‌ای قرار دارند بدان آغشته می‌نمایند و پس از آنکه ماده قندی شربت غلیظ مذکور، تدریجاً به صورت ذرات متبلور بر روی ریشه تغییر شکل داد، پارچه را که قطعات ریشه در سطح آن گذاشته شده است، بر روی شبکه‌ای از آهن که در بالای دیک بزرگ و محتوی آب جوش جای دارد، قرار می‌دهند و یک سرپوش که فضای کافی در بالای قطعات ریشه ایجاد کند، بر روی آنها می‌گذارند تا ریشه در محیطی مسدود و پراز بخار آب قرار گیرد. با این عمل، ذرات متبلور قند که در سطوح ریشه‌ها وجود دارد، تحت اثر بخار آب ذوب می‌شود، قسمتی از آن در انساج ریشه نفوذ می‌نماید بقیه در آب جوش درون دیک وارد می‌گردد. پس از مدتی، ریشه‌ها را که در محیط اشباع شده از بخار آب نرم شده‌اند، از زیر سرپوش خارج کرده، در گرمای ملایم خورشید خشک می‌کنند. آب درون دیک را که در خاتمه عمل دارای مقداری از مواد مؤثر ژین سنگ است. مدتی به حال

1 - Vaillie Gh. Sur le Ginseng, Med. et Nut. 1982, T. XVIII, N. 4.

خود می‌گذارند تا ماده قندی آن، تدریجاً به حالت متبلور درآید. قند متبلور حاصل، نوعی محصول ژین سنگ است که تحت نام قند ژین سنگ (Sucre de Ginseng) به بازارها عرضه می‌شود.

ژین سنگ مذکور پس از خشک شدن، معادل ۳ درصد وزن خود را از دست می‌دهد. سختی آن از ژین سنگ کره بیشتر است و تدریجاً نیز در طول زمان، سخت تر می‌شود. به طوریکه به سهولت شکسته می‌گردد و قابلیت خرد شدن و آرد شدن را پیدا می‌نماید علاوه شفافیت مختصر پیدا می‌کند (Perrot, Em. 1944).

ژین سنگ حقیقی، رنگ زرد عنبر مانند دارد. ممکن است ظاهری ساده و یا منشعب در قسمت انتهائی داشته باشد. طعم آن ملایم، کمی شیرین و دارای شباهت مختصر با طعم شیرین بیان است.

تقریباً شیمیائی - نخستین بررسی شیمیائی در سال ۱۸۸۴ توسط Garrigues بر روی ژین سنگ امریکا بعمل آمد و گرد زرد رنگ و آسرفی به نام پارا کیلون *paraquilon* یا *panakilon* از ریشه تازه گیاه استخراج گردید.

در سال ۱۸۹۰ نیز Davidoff به پیروی از رویه دانشمند مذکور، ماده‌ای شبیه فوق، از ژین سنگ منچوری استخراج کرد.

پارا کیلون *Paraquilon*، گرد زرد رنگ و آسرفی است که در آب و الکل حل می‌شود ولی در اثر غیر محلول است. طعم آن ابتدا شبیه گلیسیرین است ولی خاتماً اثر نسبتاً تلخ در ناحیه حلق برجای می‌گذارد. این ماده بعداً توسط Fujitani، نوعی گلوکزید شناخته شد و تحت نام **پانا کیلوزید** *Panakiloside*، به صورت خالص به بازارهای داروئی عرضه گردید.

طبق بررسی‌های جدید، ریشه گیاه دارای آمیدون، رزین، اسانس، استرول‌ها (*Stérols*)، ویتامین‌های گروه B، ساپونوزید هائی به نام ژینوسیدها *Ginsenosides* (با اثرات فارماکولوژیکی متفاوت) و غیره است. هنوز هم بررسی در زمینه مواد مؤثر این گیاه ادامه دارد.

خواص در سانی - ژین سنگ، مدت‌ها به عنوان یک ماده مقوی باه با اثر مقوی و معالج غالب بیماریها، بین مردم مصرف می‌گردید و داروئی بسیار قیمتی بحساب می‌آمد. مصرف آن هنوز هم در بین مردم چین و نواحی مختلف آسیا معمول است.

از ژین سنگ، به عنوان تب‌بر، رفع خستگی‌های جسمانی و روحی، لرزش‌های زمان پیری، نیرو دهنده سیستم عصبی و غیره نیز استفاده بعمل می‌آید.

ژین سنگ از کشورهای آسیائی به نواحی مختلف دنیا حمل می‌گردد ولی امروزه اهمیت آن با مقایسه به سابق بکلی کاهش یافته است.

ژین سنگ، معمولاً به صورت قرص مصرف می‌شده و یا از آن نوعی شراب تهیه می‌نموده‌اند.

تطور آن به مقدار ۱۰-۲۰ قطره، مخلوط در کمی آب و مرتبه در روز به مدت ۲-۳ هفته مصرف می‌شود.

اثرات فارماکولوژیکی (Ch. Vaile)

آزمایش‌های فارماکولوژیکی متعددی که بر روی ژین‌سه‌نوزیدهای ژین‌سنگ به عمل آمد مشخص گردید که ژین‌سه‌نوزید C (Ginsenoside C)، اثری سمی‌تر از ژین‌سه‌نوزیدهای A₁، A₂ و B₂، در خرگوش دارد (1) و علاوه بر نتایج بررسی‌های دیگر نشان داد که بعضی انواع ژین‌سه‌نوزید، اثرات درمانی متفاوت ظاهری نمایند مانند آنکه ژین‌سه‌نوزید Rb₁، مسکن سیستم عصبی مرکزی است در حالیکه نوع Rg₁، فقط نیرو دهنده است (Takagi و همکارانش). طبق بررسی‌های علمی Namba، از بین ساپونوزیدهای ژین‌سنگ، آنها که به گروه Panaxatriol تعلق دارند، اثر همولیتیک (hémolytique) یعنی همولیزکننده گلبول‌های قرمز خون ظاهر می‌کنند در حالیکه انواع متعلق به گروه Panaxadiol، باعث توقف یا کندی انجام عمل همولیز، ناشی از اثر عوامل دیگر می‌شوند (2).

بررسی‌های Kaku و همکارانش (3) نشان داد که ژین‌سه‌نوزید Rg₁، اثرات بازکننده مجاری عروقی (Vaso-dilat) با اثر قوی دارد در صورتیکه نوع Rb₂ آن، دارای اثر ضدکوری ولی به نحو ضعیف است. بررسی‌های فراوان دیگر نیز بر روی ژین‌سنگ مخصوصاً در سال‌های اخیر به عمل آمد که ذکر همه آنها کاری بسیار مشکل می‌باشد. طبق گزارش Ketz (4)، محققین چینی نشان داده‌اند که گلوکزیدهای ژین‌سنگ، اثری مشابه یوهیمین (Yohimbine) دارند، یعنی احتمالاً دارای اثر مقوی بام می‌باشند.

اثرات زیان‌آور ژین‌سنگ - از بین اثرات زیان‌آوری که به علت زیاده‌روی در مصرف ژین‌سنگ عارض می‌شود، تورژسانس دردناک پستان‌هاست ضمناً ذکر این نکته ضرورت دارد که تجزیه شیمیائی بعضی انواع ژین‌سنگ، وجود کورتیکوستروئیدها Corticosteroides را در آن نشان داده است که به عنوان تقلب به ژین‌سنگ افزوده می‌شود.

بررسی‌های ارزنده Siegel (5) که بر روی اثرات کلینیکی ژین‌سنگ، ناشی از زیاده‌روی در مصرف آن، به عمل آمده موارد مختلف زیر را با دقت نشان داده است:

- 1 - Chen et al., Europ. J. of Drug, Metabolism and pharmacokinetics, 1980, 5, 161 - 168.
- 2 - Namba T. et al., Chem. Pharm. Bull. 1973, 27 (2), 459 - 461.
- 3 - Kaku T. et al., Arzeim. FORSCH. 1 75, 25 (3), 343 - 347.
- 4 - Ketz. A. Ernährungs, Forschung, 1981, 26, 78 - 80.
- 5 - Siegel R. K., J. A. M. A. 1979, 241, 1614 - 1615

تعداد ۱۳۳ بیمار که ناراحتی‌های ناشی از مصرف زیاد ژین‌سنگ پیدا نموده بودند. به عوارضی مانند تحریک سیستم اعصاب مرکزی، غالباً همراه با بالا رفتن فشار خون و گاهی پائین آمدن فشار خون مبتلا بودند. تعداد ۱۰ درصد این بیماران که در سرویس اعصاب و روان پزشکی، در لوس آنجلس مورد آزمایش قرار گرفتند، دارای احساس تحریکات عصبی، حالت سرخوشی، بی‌خوابی و عوارضی نظیر بروز دانه‌های جلدی و شکم‌روش‌های صبحگاهی بودند. بعضی‌ها نیز به خیز اندامها (oedème) مبتلا بودند. قطع یکباره مصرف ژین‌سنگ، در عده‌ای از مبتلایان، باعث بالا رفتن فشارخون، وضعف ولرز در آنها شده بود. مصرف ۱۰ گرم آن از (طریق خوردن)، ایجاد بهت و تشویش می‌کند و اگر در آنها تزریق صورت گیرد، دچار وهم و خیالات واهی می‌گردند.

بطور کلی با توجه به غنی بودن ریشه ژین‌سنگ از هیدراتهای کربن، پروتیدها، مواد معدنی مختلف، ویتامین‌های B، C، E، و اینکه هر ۱۰۰ گرم آن، ۳۳۸ کالری ایجاد می‌کند، پرسش‌هایی از شورای عالی بهداشت عمومی کشور فرانسه به عمل آمد از اینکه آیا ریشه ژین‌سنگ با دارا بودن مواد مذکور می‌تواند یک ماده غذایی یا سستی به حساب آید؟ جواب قسمت بهداشت غذایی، در تأیید اظهار نظر Pr. R. Ferrande در تاریخ ۲۶ ماه مه ۱۹۸۱ چنین بوده است که ژین‌سنگ، نمی‌تواند مانند یک غذا یا ادویه (چاشنی) به حساب آورده شود.

بطور خلاصه، ژین‌سنگ را نمی‌توان به عنوان غذا و یا با تهیه نوشابه به نام نوشابه‌های بهداشتی به سردم عرضه کرد. ولی بررسی علمی محققین نشان دهنده آنست که می‌توان از بعضی مواد موجود در آن، جهت درمان بیماریها استفاده بعمل آورد. توجه به مقادیر کم مواد مؤثر ریشه ژین‌سنگ، قبول نتایج قاطع آنرا در تقویت پتانسیل عصبی، درمان رماتیسم و یا تقویت جنسی، با تردید مواجه نموده است.

در ردیف Ginseng، گیاهی با اختصاصات و ارزش درمانی تقریباً مشابه، متعلق به تیره Araliceae وجود دارد که درباره آن یک مقاله علمی جدید توسط Professeur Delaveau به چاپ رسیده و خلاصه آن به شرح زیر است (1):

Acanthopanax senticosus (R. M.) Arm. *Eleutherococcus senticosus R. et Max.
درختچه‌ای کوچک، خاردار، به ارتفاع ۲-۳ متر و دارای برگهای متناوب، مرکب از برگچه‌هایی بوضع پنجه‌ای و مستطیلی به دمبرگ دراز است. گل‌های ه‌قسمتی، کوچک، به رنگ مایل به زرد و مجتمع به صورت چتر با ظاهری سردارد. سیوایش سته مانند و سیاه رنگ است. از مشخصات آن اینست که به حالت گروهی و مجتمع، در نواحی محل رویش یافت می‌شود. متجاوز از ۱ میلیون هکتار از آن نیز،

1 - Les Actualités pharmaceutiques, N. 210, Mai, 1984.

نواحی شرقی سیبری، چین (ناحیه Shansi و Hopei) و کره را اشغال نموده است. این گیاه با آنکه در نواحی محل رویش Ginseng پراکندگی دارد و برای آن نیز صفات درمانی تقریباً مشابه قائل اند بعلاوه از نظر ترکیبات شیمیائی نیز بی شباهت به گیاه مذکور نیست معهداً از یک شهرت درمانی به پایه ژین سنگ برخوردار نیست.

در کیببات شیمیائی - غالب انتشارات علمی در مورد ترکیبات شیمیائی و اثرات فیزیولوژیکی این گیاه تعلق به محققین شوروی از دانشگاه ولادوستوک دارد. شیمیدان ها، هتروزیدهای این گیاه را تحت نام **الوته روزید** eleutheroside و با حروف الفبا (A, B, ..., M) نامگذاری نموده اند که خسود موجب بروز اشتباهاتی با ساپونوزیدهای ژین سنگ مانند ginsenosides یا panaxosides های A و B ... می شود.

در گیاه مذکور، eleutheroside A، گلوکزیدی از بتا - سیسترو (β - sistostérol) می باشد که ابتدا در هویج کشف گردید که در عده ای از گیاهان دیگر نیز بدان برخورد می شود.

eleutheroside B، گلوکزیدی از الکل سیناپیک alcool sinapique (نوعی الکل - فنل، مشتق از فنیل پرویان) می باشد و نوع B₁ آن نیز وجود دارد.

relutheroside C، گالاکتوزیدی از اتانول و انواع D و E آن نیز هتروزیدهای در ردیف syringarésinol می باشند که در آغاز از گونه های مختلف یاس بنفش (انواع Syringa) به دست آمده اند.

بعلاوه دارای ترکیبات فنلی، ۲ ترکیب محلول در مواد چرب مانند بتا - سیسترو، اسید اولتانولیک و غیره می باشد.

توجه به ترکیبات شیمیائی مذکور و اختلافات آن با ترکیبات شیمیائی ژین سنگ که دارای هتروزیدهای panaxadiol و panaxatriol می باشد، مشابهت اثرات درمانی آنرا با ژین سنگ، با همه اظهار نظرهایی که بعمل آمده چندان تأیید نمی نماید.

خواص درمانی - محققین شوروی برای آن اثرات درمانی شگفت انگیز قائل اند. برای آن اثر نیرو دهنده سیستم اعصاب مرکزی، تأمین کننده جریان خون در مغز (آزمایش در گربه) و کاهش دهنده خستگی های جسمانی و روحی ذکر شده است بعلاوه معتقدند بطور خفیف، گلیسمی خون را کاهش می دهد، ترشحات داخلی بیخه ها را تقویت می کند و قدرت ترشحاتی پروستات و ویکول های منی (Vésicules séminales) را بالا می برد ضمناً نوع چند هسته ای گلبول های سفید خون (éosinophiles و neutrophiles) را افزایش می دهد و خون سازی را تقویت می نماید. اثر ضد التهاب مواد مؤثر گیاه را به ساپونوزیدهای آن نسبت می دهند و برای آن خاصیت کاهش دهنده حجم توسورهای که بطور تجربی بوجود آمده باشد و همچنین کاهش دهنده

سمیت مواد داروئی در بدن ذکر می کنند؟ بطور خلاصه آنرا اکسیری با تأثیر ملایم ولی با قاطعیت بیشتر از ژین سنگ معرفی می نمایند.

با همه صفات درمانی که برای این گیاه ذکر شده امروزه چنین اظهار نظر می شود که باید آنرا از لحاظ ترکیبات شیمیائی و اثرات درمانی در لیست گیاهان نیازمند به بررسی های عمیق تر قرار داد، تا آزمایش های مختلف بر روی آن صورت گیرد یعنی در واقع تا قبل از انجام این بررسی ها و کسب اطلاع صحیح از اثرات درمانی گیاه، نباید مورد استفاده های درمانی قرار گیرد.

از گیاهان مفید و داروئی تیره عشقه به شرح مختصر انواع زیر که هیچیک از آنها در ایران نمی رویند مبادرت می شود:

۱- *Gilibertia arborea* Moench. * گیاهی است که در بعضی نواحی امریکای جنوبی و کلمبیا می روید. ریشه و برگ آن بعنوان ضد تشنج و معرق مورد استفاده قرار می گیرد.

۲- *Tetrapanax papyrifera* Koch. * ؟ *Aralia papyrifera* Koch. - گیاهی است که در فورمز می روید و مغز ساقه آن در ساختن نوعی کاغذ به نام Papier de riz de chine مصرف دارد. قسمت هوائی این گیاه دارای اثر مدر است و بعنوان خلط آور و زیاد کننده ترشحات شیر مورد استفاده قرار می گیرد (Perrot, p. 1691).

۳- *Aralia spinosa* L. * - در نواحی مختلف امریکا می روید و به حالت تازه، اثر قوی آور - مسهلی دارد. تنطورات آن یک داروی اختصاصی جهت رفع دل پیچه های شدید است. از پوست گیاه ساپونین های مختلف و نوعی گلوکزید به نام **آرالایوزید** aralioside استخراج شده است (۱). در فارماکوپه اتازونی از ریزوم و ریشه *A. racemosa* L. * نام برد شده است. که مردم برای آن خاصیت نیرو دهنده قائل اند و گاهی نیز بجای سالسپاری، آنرا به مصارف مشابه می رسانند (Perrot Em. p. 1691).

۴- *Fatsia japonica* (Thunb.) Dec. & Planch.، *Aralia japonica* Thunb. - از برگ این گیاه ماده ای به نام **آرالین** araline استخراج گردیده که به صورت توده متبلوری، عاری از رنگ گزارش شده است (۲). این ماده در گرمای ۲۴ درجه ذوب می شود و فاقد ازت می باشد. در استات اتیل و الکل خیلی گرم محلول ولی در الکل سرد، استن و بنزن غیر محلول است. در کلروفرم و اتر نیز عملاً حل نمی گردد. این ماده اگر هیدرولیز شود، گلوکز و ماده ای به نام **آرالیدین** aralidine و همچنین یک ساپونین sapogénine از آن به دست می آید (Merck Index).

۱- بنظر می رسد آرالایوزید که وجود آن در پوست *A. spinoso* L. ذکر شده، همان آرالین باشد. 2-Danzel, J. Pharm. Chim. 5, 530 (1912); Bull. Sci. Pharmacol. 19, 329 (1912.)

تیره کوچکی به نام *Nyssaceae*، مجاور تیره‌های *Araliaceae* و *Cornaceae* جای دارد که اختصاصات آن مشابه تیره اخیر است و با آنکه در بعضی رده بندیها، مجاور تیره مورد (*Myrtaceae*) نیز آورده می‌شود، معهداً، گیاهان آن بخلاف تیره اخیر، فاقد آبکش داخلی (*Liber interne*) می‌باشند.

از بین گیاهان معدود تیره *Nyssaceae*، منحصرأ یک نوع داروئی آن به شرح زیر قابل ذکر است:

Camptotheca acuminata Decsne* - درختی است که در چین می‌روید و در چوب ساقه آن، الکلوئیدی به نام کاسپ‌توتسین *Camptothecine*، یافت می‌شود. این الکلوئید، به فرمول $C_{20}H_{14}N_2O_6$ و به وزن ملکولی ۳۴۸۳۴ است. اثر درمان لوسمی (*leucemie*) و ضدتوموری دارد. استخراج آن از گیاه مذکور و همچنین تعیین فرمول منبسط آن، توسط Wall و همکارانش صورت گرفته است (۱).

کاسپ‌توتسین، از گروه *Pyrroloquinoline* است. به صورت بلورهای سوزنی شکل و برنگ زرد روشن، در مخلوط متانول و استونیتریل (*acetonitrile*) به دست می‌آید. در گرمای ۲۶۴ تا ۲۶۷ درجه تجزیه می‌گردد (تجزیه آن در گرمای ۲۷۵ تا ۲۷۷ درجه نیز گزارش شده است (Volkman)).

استات و کلرواستات آن، هردو به حالت متبلور به دست می‌آیند و به ترتیب در گرمای ۲۷۱ تا ۲۷۴ و ۲۴۵ تا ۲۴۸ درجه تجزیه می‌شوند.

از نظر درمانی، اثر ضد تومورهای سرطانی دارد.

تیره کوچک دیگری به نام *Garryaceae* (از راسته *Garryales*)، مجاور تیره *Cornaceae* جای دارد که گیاهان آن عموماً در امریکای شمالی و جامائیکا می‌رویند و به صورت درختچه‌های کوچک با برگهای سبز دائمی می‌باشند. از بین گیاهان این تیره انواع زیر از نظر- درمانی، در ردیف گیاهان مفید داروئی جای دارند:

Garrya Fremontii Torr.* - درختچه‌ای است که در کالیفرنیا می‌روید. برگهای آن

دارای طعم تلخ، تانن و یک ماده تلخ به نام گاری‌نین *garryine* است و از آن، جهت رفع تب استفاده به عمل می‌آید.

گاری‌نین *Garryine*، الکلوئیدی به فرمول $C_{22}H_{23}NO_7$ و به وزن ملکولی ۳۴۳۴۹ است. از گیاه مذکور و پوست نوع دیگر از آن به نام *G. veatchii kellog* به دست می‌آید

1 - Wall et al., Am. Chem. Soc. 88, 3888 (1966).

و همراه با الکلوئیدی به نام *veatchine* و الکلوئیدهای دیگر می‌باشد. استخراج گاری‌نین، از اعضای گیاه مذکور توسط *Oneto* (۱) و همچنین محققین دیگر مانند *Wiesner* و همکارانش ولی تعیین فرمول گسترده آن توسط محققین اخیر در سال‌های بعد صورت گرفته است (۲).

گاری‌نین، به حالت متبلور با یک ملکول آب (منوهیدرات) در استن به دست می‌آید. طعم تلخ دارد. در گرمای ۷۴-۸۲ درجه ذوب می‌شود. در آب و الکل نیز محلول است.

Veatchine، الکلوئیدی است که از گیاه اخیر توسط *Oneto* (در سال ۱۹۶۴) و *Wiesner* استخراج گردید و دارای همان فرمول گاری‌نین است. این الکلوئید نیز در استن به حالت متبلور به دست می‌آید. طعم تلخ دارد. در گرمای ۱۱۹ و ۱۲۰ ذوب می‌شود و در اتانول محلول است.

برای این دو الکلوئیدی اثرات درمانی ذکر نشده است.

هیچیک از گیاهان اخیر در ایران نمی‌رویند.

تیره زغال اخته *Cornaceae*

تیره کوچکی از گیاهان گلدار جدا گلبرگ و شامل گونه‌هایی عاری از مجاری ترشحی است. تقریباً ۱۰ جنس و ۱۲۰ گونه دارد که عموماً در نواحی گرم و معتدله نیمکره شمالی، به وضع دور از یکدیگر پراکنده‌گی دارند.

گیاهانی به صورت درخت یا درختچه و دارای برگهای متقابل، کامل (بندرت لویدار) و بدون استیبول‌اند. گل‌های آنها یا ه‌قسمتی، منظم، نر- ماده (هرمافودیت) یا منحصرأ دارای یکی از اجزاء اصلی گل (پرچم یا مادگی) و مجتمع به صورت گزن یا خوشه ویا پانیکول‌اند. پرچم‌هایی به تعداد گلبرگها و مادگی ۲ برچه‌ای دارند که مجموعاً تخمدانی ۲ خانه و به وضع تحتانی بوجود می‌آورند

میوه آنهاسته یا شفت است.

در بین گیاهان تیره زغال اخته، انواع مهم داروئی وجود ندارد. گونه‌های سفید آنها به شرح زیر است:

1 - *Oneto*, J. Am. Pharm. Assoc. 35, 204 (1946).

2 - *Wiesner et al.*, J. Am. Soc. 76, 6068 [1954].

Cornus mas L.

C. flava Steud. , C. nudiflora Dum.

فرانسه : Congellier , Savignon , Cornier , C. mâle , Cornouiller des bois
 انگلیسی : Cornelian cherry
 آلمانی : Kornelkirsch , Kornelbaun
 ایتالیایی : Cornio , Corniale , Corniolo - عربی : قرن ، قرانیا ، حب الشوم
 فارسی : درخت زغال اخته

درختچه‌ای است به ارتفاع ۵ تا ۸ متر که گل‌های زرد و کوچک آن در فروردین ماه قبل از پیدا شدن برگ، بر روی شاخه‌های منشعب آن ظاهر می‌شود. به حالت وحشی و خودرو در بیشه‌ها و حاشیه جنگل‌ها می‌روید به علاوه در بعضی از نواحی مساعد نیز پرورش می‌یابد. برگ‌های آن ساده، عاری از دندانه، بیضوی نوک‌تیز و منتهی به دم‌برگ کوتاه است. گل‌های زرد و کوچک آن، به صورت گل‌آذین‌های متعدد چتر ساده، به وضع متقابل بر روی شاخه‌ها ظاهر می‌شود. در قاعده هر گل آذین آن، نیز، انولوکری مرکب از ۵ براکته مقعر، بیضوی و نوک‌تیز مشاهده می‌گردد. هر گل آن، ۵ کاسبرگ، ۵ گلبرگ و ۵ پرچم در اطراف مادگی دارد. میوه آن شفت، بیضوی، به بزرگی زیتون، به طول ۱ تا ۱٫۵ سانتیمتر و دارای رنگ قرمز بسیار زیبا پس از رسیدن کامل است. طعم میوه آن ترش، کمی شیرین و رنگ آن در بعضی نژادها، مایل به سفید یا مایل به زرد است. ارتفاع این درختچه در سن ۲ تا ۲۰ سالگی به ۸ متر می‌رسد. عمر آن زیا دو در حدود ۳۰ سال است.

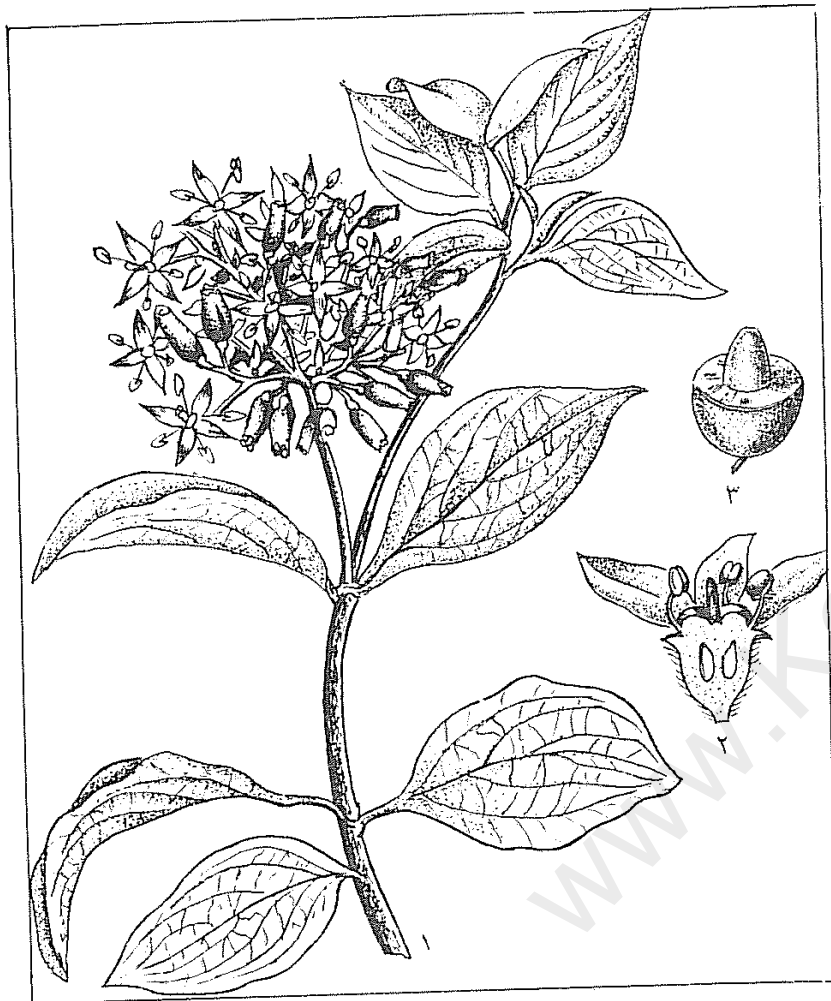
نژادهای مختلفی، بطور طبیعی و بر اثر آمیزش‌های متمادی، از این گیاه بدست آمده که به خلاف معمول، برگ‌هایی فراهم به تعداد ۳ تایی و گل‌هایی مرکب از قطعات ۵ و حتی ۶ تایی دارند. گل‌های آن، نوش فراوان و بسیار خوب برای زنبور عسل فراهم می‌کند. درخت زغال اخته، در منطقه وسیعی از اروپا، آسیا مانند ایران، ارمنستان، قفقاز و آسیای صغیر می‌روید.

بررسی‌های علمی نشان داده است که منشأ آن، نواحی مختلف اروپا و آسیای صغیر بوده است. قسمت مورد استفاده این درختچه، میوه و پوست آن است.

ترکیبات شیمیائی - پوست درخت دارای ۸ درصد تانن، مالات کلسیم، مواد پکتیک و گل آن دارای کوئرستین است. در میوه آن، گلوکز، ساکارز، اسید گلی اوکسالیکیک ac. glyoxalique و لعاب فراوان یافت می‌شود.

خواص درمانی - کلیه قسمت‌های گیاه دارای اثر بقوی وقابض است. پوست آن بطور محسوس، اثر تب‌بر دارد.

میوه رسیده آن، طعم بسیار مطبوع دارد و از آن در تهیه شربت، مربا، کمپوت و غیره



ش ۱۸۰ - Cornus mas : ۱ - سرشاخه گلدار (اندازه طبیعی) ۲ - برش قائم گل
 ۳ - میوه و نمایش هسته آن (اندازه طبیعی)

از ریشه آن بوی ناسطبوع و تهوع آور استنشام می‌شود. پوست ساقه و گل‌های آن نیز بوی ناپسند دارد.

وجود یکی از پایه‌های آن در ناحیه‌ای باعث می‌گردد که در طی مدتی کوتاه، تمام آن منطقه از این درختچه اشغال‌شود زیرا باجوشهای فراوانی، در پای هر درختچه ظاهر می‌شود و با این عمل پراکندگی سریع آن در منطقه فراهم می‌گردد.



ش ۱۸۱ - *Cornus florida*: سرشاخه گلدار (اندازه طبیعی)

پایه‌های مختلف آن، گاهی حالات غیرطبیعی از نظر وضع قرارگرفتن برگ بر روی ساقه و یا اجزای گل نشان می‌دهند مانند آنکه استثنائاً ممکن است برگ‌های گیاه به صورت فراهم و به شکل دسته‌های ۳ یا ۴ تایی بر روی ساقه ظاهر شوند و یا آنکه بعضی از پرچم‌های گل به گلبرگ تبدیل گردند.

گل‌های آن به خلاف گونه قبلی، مورد توجه زنبور عسل نیست. قسمت مورد استفاده این گیاه، میوه و پوست ساقه آن است.

استفاده بعمل می‌آید بعلاوه به حالت خام مصرف می‌شود. میوه رسیده آنرا پس از چیدن معمولاً خشک می‌نمایند تا در فصول مختلف بتوان از آن استفاده بعمل آورد.

زغال اخته در رفع اسهال، ورم روده‌ها، خون‌رویهای ناگهانی و حتی رفع تب، کمک‌مؤثر می‌کند. در بیماریهای مختلف عفونی و تب‌دار، شیر و روان و رقیق‌شده آنرا برای رفع تشنگی به بیمار می‌دهند.

صورت دارویی - جوشانده - ۶ در هزار پوست این درختچه که بدان ۶ گرم *Sauge* یا مارن و یا آنزلیک اضافه کرده باقند شیرین نموده باشند، غالباً مصرف می‌شود. از این جوشانده به مقدار ۳ فنجان یا بیشتر در روز جهت رفع تب استفاده بعمل می‌آورند.

تجارب Dr. H. Leclerc نشان داده است که جوشانده پوست درختچه مذکور در رفع بیماری مالاریا اثر معالج دارد.

محل رویش - گیلان، بیشه‌های نواحی مختلف البرز، آذربایجان، ارسباران، قره‌داغ نزدیک حسن بگلو، عالی بلاغ، کالیبار در ۱۰۰۰ متری.

Cornus sanguinea L.

Thelycrania sanguinea (L.) Fourr. ، *C. australis* C. A. Mey.

فرانسه : Savignon ، Olivier de Normandie ، C. femelle ، Cornouiller sanguin

انگلیسی : Sanguina ؛ Hounds berry tree ، Dogberry ، Female - cornel

آلمانی : Roter kornelbaum ، Blutruthen ، Hundsdürflitze ، Roter Hartriegel

فارسی : شفت (در ارسباران) ، ال (Al) ، سیاه‌آل (در گیلان)

درختچه‌ای کوچکتر از گیاه قبلی و دارای ارتفاعی متفاوت، تا به متر است. در کنار جریانهای آب، جنگلها و حاشیه آنها می‌روید. پراکندگی آن در مناطق کوهستانی، به صورتی است که گاهی وسعت‌های فاصله‌داری با ظاهر کاملاً مشخص بوجود می‌آورد. از اختصاصات آن این است که برگ‌های گیاه در آغاز سرداد ماه، رنگ قرمز حاصل می‌کند و این خود باعث تشخیص آن از درختچه‌های دیگر می‌شود.

این درختچه، برگ‌هایی متقابل، بیضوی مدور و منتهی به نوک تیز دارد. پهنک برگ آن دارای شکل کاملاً متمایز از گونه قبلی است زیرا مانند آن، ظاهر دراز و کشیده ندارد. گل‌های آن به خلاف گونه قبلی، فاقد انولوکری می‌باشد.

میوه آن کوچک، کروی، به قطر ۵ میلی‌متر و به رنگ قرمز سیاه پس از رسیدن کامل است.

ترکیبات شیمیائی - قسمت گوشته دار سیوه آن دارای یک ماده رنگی سبز و ملات کلسیم است. در دانه آن ۱۷ تا ۲ درصد و حتی بیشتر، روغن خشک شونده و قابل استخراج وجود دارد که به مصارف صنعتی می رسد. این روغن، حالت چسبنده، رنگ سبز روشن و طعم ناپسند دارد ولی فاقد بو می باشد. در گرمای زیر صفر درجه می بندد و وزن مخصوص آن در گرمای ۱۰ درجه بین ۰.۹۲۱ و ۰.۹۲۳ می باشد.

خواص درمانی - سیوه و پوست ساقه آن اثر تب بر دارد.

از چوب آن و گیاه قلبی، به علت محکم بودن، در صنعت استفاده بعمل می آید.

محل رویش - شمال غربی ایران، جنگل ارسباران.

این گیاه در نواحی کوهستانی تا ارتفاعات ۱۳۰۰ متری پیش می رود. در غالب نواحی اروپا و آسیا منجمله ایران، نواحی شرقی سبیری، آلتائی و هیمالیا تا ژاپن پراکنده دارد.

پوست *Cornus serica L.* اثر تب بر و مقوی معده دارد و از این نظریه مصارف درمانی می رسد.

پوست *C. circinata L.* Herit. ، اثر تب بر دارد.

C. succia L. * - گیاه کوچک و چندساله و به ارتفاع ۱ سانتی متر است. در مناطق شمالی می روید. سیوه کوچک و قرمز رنگ آنرا اسکیموها به مصارف تغذیه می رسانند و آنرا برای مصارف زمستانی غالباً ذخیره می کنند.

C. florida L. ، یکی دیگر از انواع این گیاهان است که بصرف پوست آن بعنوان تب بر و رفع قولنج ها، در کتب داروئی آنازونی وارد است و از آن بعنوان مقوی معده استفاده بعمل می آید. پوست این گیاه دارای یک ماده تلخ و قابل تبلور به نام **کورنین** (Gornine) Frey در سال ۱۸۷۹ و معادل ۳ درصد تانن است.

کورنین (وربنالین Verbenaline) در مبحث *Verbena officinalis* شرح داده شده است.

هیچیک از گیاهان اخیر در ایران نمی رویند.

انواع متعددی از *Alangium* ها که به تفاوت در تیره *Cornaceae* و یا بطور جداگانه در تیره *Alangiaceae* و مجاور آن جای داده می شوند، سیوه های خوراکی دارند. مانند آنکه *A. salvifolium* Wang. * که در هندوچین و سیام و *A. costatum* Wang. * که در آنام (Annam) می روید و در بعضی نواحی جاوه پرورش می یابد به مصارف تغذیه می رسند (Perrot).

نوع دیگر آن *A. Lamarkii* Thw. است که در نواحی مختلف هند می روید. برگهای بیضوی دراز و بی کرک دارد. ریشه، پوست، دانه و برگ آن در نواحی محل رویش به مصارف

درمانی می رسد. برای آن اثر معرق، تب بر و مدر قائل اند. ضماد آن که از برگ گیاه تهیه می شود در تسکین دردهای رماتیسمی مؤثر ذکر شده است (*Pharmacographica indica*).

Aucuba japonica Thunb. * - درختچه ای کوچک، زینتی، دوپایه و دارای ساقه ای به ارتفاع ۱ تا ۳ متر است. برگهای بیضوی، متقابل و ابلق با حاشیه زرد و گلهای کوچک و مجتمع به صورت پانیکول دارد. برگهای بزرگ و زیبای آن بادوام است و از این جهت غالباً در باغچه ها پرورش می یابد. سیوه آن پایا، بیضوی، به رنگ قرمز (به ندرت نارنجی یا سفید) است و در تمام مدت زمستان نیز بر روی شاخه ها باقی می ماند. دارای ماده ای به نام **او کوئین** aucubine می باشد. **او کوئین** Aucubine ، به فرمول $C_{15}H_{22}O_9$ و به وزن ملکولی ۳۴۶.۳۳ است. در برگ، ریشه و دانه گیاه مذکور و ۷۰ نوع گیاه متفاوت دیگر یافت می شود. استخراج آن توسط Hill و Trim (۱) و تعیین فرمول گسترده آن توسط Haegele و همکارانش (در سال ۱۹۶۱) صورت گرفته است.

او کوئین به حالت متبلور در مخلوط اتانول و اتر به دست می آید. در گرمای ۱۸۱ درجه ذوب می شود. در آب و اتانول محلول است ولی در کلروفرم، اتر و اتر دیپترول غیر محلول می باشد.

پرورش می یابد.

قیروه شیونفد Caprifoliaceae

گیاهان این تیره غالباً بالارونده، یا به صورت درختچه‌های کوچک و بندرت درخت یا علفی می‌باشند. شامل مجموعاً ۲ جنس و متجاوز از ۳۰ گونه اند که در نیمکره شمالی، مخصوصاً در نواحی معتدله ویا در مناطق کوهستانی نواحی مختلف استوا می‌رویند^(۱). عده‌ای از آنها نیز به علت دارا بودن گل‌های درشت ویا معطر، پیوسته در نقاط مختلف پرورش یافته، در منطقه وسیعی از کره زمین پراکندگی حاصل نموده‌اند.

از اختصاصات این گیاهان آن است که برگ‌هایی متقابل، ساده یا بریدگی‌دار و یا مرکب از برگچه‌های متعدد دارند. گل‌آذین آنها غالباً به صورت گزن دو سویه است ویا آنکه از نظر طرح کلی، از این گل‌آذین مشتق گردیده است. در بعضی از آنها نیز گلها به صورت دیهیم مرکب ویا به تعداد کم در کناره برگها، گرد آمده است. گل‌های آنها نر- ماده، به رنگ‌های مختلف سفید، قرمز، مایل به زرد یا مایل به سبز، معمولاً ه قسمتی و شامل کاسه کوچک وجام چرخشی شکل است. جام- گل آنها، در گل‌های کناری یک گل‌آذین، وضع ناقص پیدا می‌کند بطوری که لوب‌های خارجی آن، بزرگتر از سایر قطعات در می‌آید. پرچم‌های این گیاهان، معمولاً به تعداد ۵ (گاهی زیادتر یا کمتر) و مادگی آنها شامل ۲ تا ۵ برچه است که مجموعاً تخمدانی ۱ تا ۵ خانه و محتوی یک یا تعداد زیادی تخمک بوجود می‌آورند.

میوه آنها به صورت مختلف سته، شفت یا پوشینه و محتوی دانه‌های آلبومین دار با جنین کوچک است.

از جنس‌های مهم این تیره، Sambucus (دارای ۷۰-۸۰ گونه)، Viburnum (۱۰۰ گونه)، Lonicera (۱۰۰ گونه) و Linnaea (۲ گونه) را نام می‌بریم.

در این تیره گیاهانی با ارزش درمانی زیاد وجود ندارد و فقط در بین آنها نمونه‌های دارویی زیر که غالب آنها در ایران می‌رویند، قابل ذکر است. درختچه‌های زیتنی مختلفی نیز در این تیره جای دارند.

۱- چون تعداد جنس و گونه‌هایی که در تیره‌های مختلف گیاهی جای دارند، در بعضی موارد با اختلاف خیلی زیاد در کتب علمی وارد شده است از این جهت این تعداد از کتاب پرارزش استاد عالیقدر و گیاه شناس شهیر کشور فرانسه، پروفیسور لوئی L. Emberger، به نام گیاهان- آوند دار Les végétaux vasculaires تنظیم شده است (رجوع شود به منابع کتاب).

بخش دوم

گیاهان پیوسته گلبرگ

گیاهان پیوسته گلبرگ، گروه بزرگی از گیاهان گل‌دار را تشکیل می‌دهند که در آنها، جام- گل از قطعات پیوسته به هم تشکیل می‌یابد به طوریکه در بین آنها بندرت ممکن است نمونه‌های فاقد این صفت کلی وجود داشته باشد. پیوسته گلبرگها، برگ‌های غالباً ساده و فاقد استیپول دارند. اجزای گل آنها بر روی ردیف‌های حلقوی مشخص و منظم جای دارد. تخمکها در غالب آنها دارای یک غشاء است و بعلاوه خورش در آنها رشد کم دارد.

اسروزه، پیوسته بودن جام گل را یک صفت عالی برای گیاهان پیوسته گلبرگ ذکر می‌نمایند و چنین عقیده دارند که این حالت برای محافظت بیشتر نطفه و مادگی در این گیاهان پیش آمده است تا پوشش محفوظتری برای اعضای تولید مثل فراهم شده باشد ضمناً چون در ته جام گل این گیاهان، غالباً مواد قندی (نوش) فراهم می‌شود که حشرات را به سمت گل جلب می‌کند، عمل گرده افشانی در آنها به وضع مطمئن تری صورت می‌گیرد.

گیاهان پیوسته گلبرگ را معمولاً بر حسب تعداد ردیف‌های حلقوی اجزای گل، به دودسته بزرگ، یکی به نام پنتاسیکلیکها Pentacycliques و دیگری تتراسیکلیکها Tetracycliques تقسیم می‌کنند. در پنتاسیکلیکها، اجزای گل بر روی ۵ ردیف حلقوی ولی در تتراسیکلیکها، اجزای گل بر روی ۴ ردیف حلقوی جای دارد.

تیره‌های مختلف پیوسته گلبرگها، طبق رده بندی بواسیه، بنحوی که در جلد اول این کتاب رعایت گردیده، به شرح زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد:

Sambucus nigra L.

S. florida Salisb. ، S. elegans Hort.

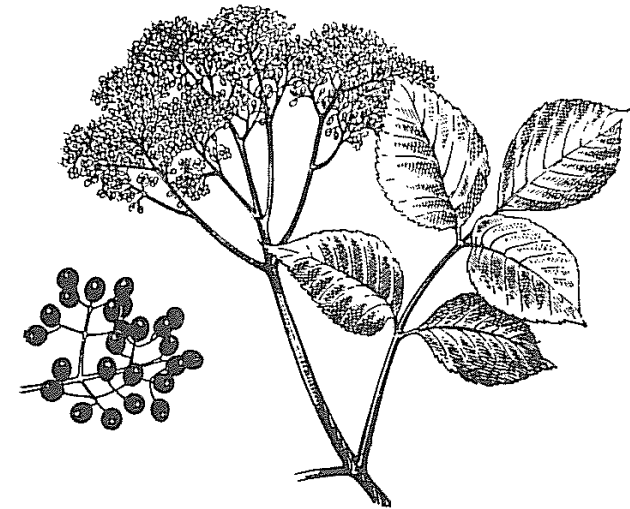
فرانسه : Grand - Sureau ، Hautbois ، Sus ، Susier ، Suseau ، Sureau noir

انگلیسی : Elder tree ، Common elder ، Arn tree ، Elderberry ، Elder

آلمانی : S. nostrale ، Sambuco ، Schwarzer - Holunder ، Holunder ایتالیائی :

فارسی : انگور کولی (در همدان) عربی : خمان (Khamān) ، خمان کبیر ، سبوقه

درختچه‌ای است که ارتفاع آن به تناسب شرایط محیط زندگی از ۳ تا ۱۰ متری و حتی ۱۰ متر تغییر می‌کند یعنی در شرایط مساعد، گاهی به ارتفاع ۱۰ متر نیز می‌رسد. پراکندگی آن به صورتی است که در نواحی مختلف مانند کنار جاده‌ها، حاشیه جنگلها و حتی مناطق کوهستانی نسبتاً مرتفع یافت می‌شود.



ش ۱۸۲ - Sambucus nigra : سرشاخه گلدار، مجموعه میوه

این درختچه، برگهائی مرکب از ۵ یا ۷ برگچه بیضوی دنداندار، نوك تیز و به رنگ سبز تیره دارد. از برگهای آن نیز بر اثر مالش دادن، بوی ناپستد استشمام می‌شود. گلهای فراوان آن که در خردادماه ظاهر می‌گردد، مجموعاً به صورت گل آذین دیهیم باظاهری شبیه چتر مرکب، جلوه می‌کند. رنگ گلهای آن در آغاز سفید است ولی بتدریج که گل طراوت خود را از دست داد

و شروع به خشک شدن نمود ، رنگ آن متمایل به زرد می‌گردد. کاسه و جام گل آن دارای تقسیمات ه تائی است و در داخل آنها، ه پرچم با بساک زرد رنگ جای دارد. مادگی آن دارای تخمدانی ۱ تا ۳ خانه است و پس از نمو نیز به میوه‌ای به صورت سته و به رنگ سیاه (پس از رسیدن) تبدیل می‌گردد که محتوی شیرهای به رنگ قرمز مایل به بنفش است و مجموعاً ظاهر زیبا پیدا می‌کند.

گلهای این گیاه، نوش کافی بوجود نمی‌آورد از این جهت این گیاه در ردیف انواع مغید برای پرورش زنبور عسل، قرار ندارد.

قسمت مورد استفاده این درختچه، پوست داخلی ساقه، برگ و مخصوصاً گلهای آن است. گلهای این گیاه را معمولاً در ماه خرداد می‌چینند و پس از جدا کردن دملگهای اصلی (حتی دملگهای فرعی)، آنها را به صورت قشر نازکی می‌گسترانند تا همه آنها بطور یکنواخت تحت اثر گرمای ملایم قرار گیرند. گلهای تازه و خشک نشده گیاه، بوی ناپسند دارد ولی بر اثر خشک شدن بویی ملایم و طعمی لعابدار پیدا می‌کند. اگر در خشک کردن گلها، دقت کافی بعمل نیاید و اینکار سریعاً انجام نگیرد، رنگ آنها تیره می‌شود.

گاهی منحصراً جام گل این گیاه را به مصارف در سانی می‌رسانند. برای این کار پس از آنکه گلها از گیاه چیده شد، آنها را به مدت چند ساعت بر روی هم انباشته می‌کنند تا با این عمل، توده گل، تخمیری مختصر حاصل کند و موجبات سهولت جدا شدن جام گل از بقیه قسمتهای آن فراهم شود.

پوست داخلی ساقه این درختچه نیز بطوری که ذکر شد، اثر درمانی دارد و برای به دست آوردن آن معمولاً قسمتهای سطحی پوست ساقه را درپائیز می‌تراشند و سپس بقیه را از چوب جدا کرده بدقت خشک می‌کنند و به بازارها عرضه می‌نمایند.

مصرف مقادیر زیاد پوست داخلی ساقه (پوست ثانوی) و همچنین برگ گیاه، در حالت تازه ایجاد مسمومیت می‌کند.

ترکیبات شیمیائی - پوست داخلی ساقه این گیاه دارای الکلوئیدی به نام سامبوسین sambucine و موادی مانند کولین، نوعی ساپونین، به مقدار جزئی از ماده‌ای شبیه سیکوتین cicutine، یک هتروزید مولد اسید سیانیدریک به نام سامبونینگرین Sambunigrine و مقدار بسیار کمی نیترات پتاسیم است.

سامبونینگرین، فرم لوژیر مانده لونیتریل-گلوکزید (Mandelonitril - Glucoside)، به فرمول $C_{14}H_{17}NO_4$ و به وزن ملکولی ۲۸۰ و ۲۹۰ است. طعم تلخ دارد و نقطه ذوب آن

در گرمای بین ۱۰۱ و ۱۰۲ درجه است. در استات اتیل خیلی گرم به صورت بلورهای سوزنی شکل متبلور می شود (۱).

هتروزید مذکور که ایزومر پرولورازین Prulaurasine (هتروزید موجود در لوریه - سریز) است، در برگ به مقدار زیاد ولی در پوست ساقه و گل‌های تازه و میوه سبز گیاه، به مقدار کمتر یافت می شود. آنزیم مخصوصی که موجبات تجزیه هتروزید مذکور را فراهم می سازد، در تمام اعضای گیاه حتی در ریشه آن نیز وجود دارد. در گل‌های این گیاه، موادی نظیر اسانس، تانن، نوعی رزین، کولین، قند، موسیلاژ، اسیدهای آلی مانند اسید مالیک، والرینیک ac. valerianique، وینیک ac. vinique و یک ماده رنگی شبیه روتین rutine ولی به خلاف تحقیقاتی که R. Kovert بعمل آورده، ساپونین‌های مختلف وجود دارد (L. Kofler).

در سیوه این گیاه، وجود موادی نظیر قند، اسانس، نوعی ماده تلخ، موم، صمغ، نوعی رزین، اسیدهای آلی مختلف مانند والرینیک، استیک، وینیک، تانیک، یک ماده قرمز رنگ، پنتوزان و تیروزین ذکر شده است.

دانه آن دارای ۱ تا ۱۰ درصد ماده روغنی، به حالت روان و بسیار خشک شونده، به وزن مخصوص ۱۰۹۴۱. در گرمای ۱۰۵ درجه است.

تاریخچه - امروزه معتقدند که حتی انسان‌های ماقبل تاریخ از میوه این گیاه استفاده می کرده و از آن نوعی مشروب مخصوص بعمل می آورده‌اند.

توفراست در آثار خود آنرا به نام Akté نام برده است.

استفاده‌های درمانی از این گیاه حتی در حدود ۴ قرن قبل از میلاد معمول بوده است بطوری که مردم آن زمان، برای اعضای این گیاه، اثر مدر و ملین قائل بوده آنرا برای درمان بیماری‌های مختلف مورد استفاده قرار می داده‌اند.

دیوسکورید Dioscoride، اثر درمانی این گیاه و گونه دیگری از آن بنام S. Ebulus را مشابه یکدیگر ذکر کرده چنین اعلام داشته است که برگ و جوانه‌های تازه این گیاه پس از پختن، دافع صفرا و بلغم است. ریشه پخته شده آن در شراب نیز می تواند در استسقاء برای مبتلایان تجویز گردد و بعلاوه در مارگزیدگی مورد استفاده قرار گیرد. برای این گیاه اثر قاعده آور نیز در کتب قدیمه ذکر شده است.

خیسانده میوه این گیاه در شراب، برای مصارف مشابه توصیه شده است. برگ و جوانه‌های

۱- ارقام اعشاری وزن ملکولی مواد مختلف، غالباً در کتب علمی، مطابقت کامل با

یکدیگر ندارند.

این گیاه را در ازمنه قدیم، برای درمان سوختگی‌ها، رفع التهاب‌های سطحی بدن و نظایر آن بکار می برده‌اند.

در قرن هفتم میلادی، از حمام برگ آن جهت رفع یرقان و در قرن هشتم از پوست ساقه برگ و میوه آن به عنوان مسهل و قی آور استفاده می شده است (St. Albert le Grand).

مصارف درمانی این گیاه در آغاز قرن ۱۹ رسماً مورد آزمایش‌های مختلف قرار گرفته و مطالعات علمی فراوان بر روی آن صورت گرفت. از این زمان به بعد، پس از اطلاع از وجود مواد مؤثر مختلف در گیاه، آنرا جهت درمان بیماری‌های مختلف بکار برده مصرف آنرا از نظر درمانی به یکدیگر توصیه می نموده‌اند.

خواص درمانی - اعضای مختلف این گیاه با تأثیری که در متابولیسم عمومی دارند، در اعمال گوناگون بدن می توانند اثر درمانی داشته باشند (W. Ripberger).

پوست ساقه، گل، میوه و حتی برگ این گیاه دارای اثر معرق، مدر، ملین، قی آور و غیره است ولی شدت تأثیر آنها با یکدیگر برابر نیست. در استعمال خارج نیز اثر ضد عفونی کننده و التیام دهنده زخم‌ها و جراحات دارند.

پوست داخلی ساقه (پوست ثانوی) تا وقتی که تازه است، مؤثرترین عضو گیاه از نظر درمانی به شمار می آید. طعم آن ابتدا ملایم است ولی تدریجاً تلخ و تند و تهوع آور می شود. ضمناً معتقدند که پوست ریشه این گیاه نیز دارای اثری مشابه پوست ساقه می باشد.

اثر شفابخش فرآورده‌های پوست گیاه، نخستین بار با افزایش مقدار ترشح ادرار در بیماری‌های مختلف نمایانده شد. مصرف مقدار متوسط پوست ساقه، حالت مسهلی ایجاد می کند و بدون ایجاد ناراحتی و عوارض بعدی، موجبات دفع مواد زائد را نیز فراهم می سازد ولی اگر مقدار مصرف از ۳ گرم به ازای هر سال سن بیمار تجاوز کند، ناراحتی هائی مانند قی و ضعف عمومی بدن، همراه با نوعی رخوت و سستی، بوجود می آورد.

بعضی از دانشمندان معتقدند که مصرف ۴ تا ۱۰ گرم شیره تازه پوست، بهترین دارو برای دفع آب از بافت‌های بدن، در بیماری‌های مختلف است و به همین دلیل است که در استسقاء و خیز عمومی بدن، نتایج مطلوب از آن به دست آورده‌اند. اثر درمانی پوست ساقه، در ورم حاد کلیه همراه با جمع شدن آب در زیر پوست، به خوبی محسوس است.

از پوست تازه و له شده گیاه پس از جوشانیدن، سابقاً پمادی بایه خوک تهیه می کرده‌اند که برای رفع کچلی بکار می رفته است. از جوشاندن پوست ساقه در روغن و مخلوط کردن آن با موم، نوعی اونگان می توان تهیه نمود که در رفع تحریکات جلدی، خارش و تسکین ناراحتی‌های کچلی، نتایج مطلوب ظاهر نماید (Cazin).

برگگد مصرف مخلوط برگهای له شده این گیاه در عسل، از قدیم الایام به عنوان ملین معمول بوده است. با این روش نتایج بسیار مطلوب در رفع یبوست مزمن اشخاص سالخورده که بر اثر عدم فعالیت انتفاضات روده در آنها بوجود می آید، به دست آمده است (Cazin).

برگهای خشک گیاه به خلاف برگهای تازه، اثر رفع اسهال های ساده دارد. مطالعات دانشمندان قدیم در این مورد نشان داده است که برگهای مورد مصرف باید اولاً از نوعی باشد که در آغاز پیدایش گل از گیاه چیده شوند و ثانیاً در سایه خشک شده باشند. از اینگونه برگها، سابقاً دم کرده های ۴ تا ۸ در هزار به مدت ۲ تا ۱ ساعت در شراب سفید تهیه می شده که از آن برای رفع اسهالهای ساده استفاده بعمل می آمده است (Cazin).

در استعمال خارج، برگ گیاه و یا پماد آن، مسکن بسیار خوب درد های بواسیری به شمار می آید، بعلاوه اثر التیام دهنده خراشهای این ناحیه (حتی در مواردی که با ترشحات همراه باشد) دارد. گرد برگهای خشک شده آن اگر استنشاق شود، از خون آمدن بینی در رعاف، سرعاجلوگیری بعمل می آورد.

گلکهای تازه گیاه، همان صفات درمانی را دارد که برای پوست و برگ ذکر شده است با این تفاوت که اثر آن خفیف تر است.

گلکهای خشک شده گیاه، اثر معرق دارد و جوشانده ای که بر حسب نوع بیماری از آن با آب یا شراب تهیه می شود می تواند به عنوان معرق در گریپ، انفلوانزا، سرماخوردگی های عادی، بیماریهای نزله ای دستگاه تنفسی، رماتیسم، نقرس و حتی در تبهای دانه ای (موقعی که دانه ها به اشکال ظاهر می شود و یا دفعه ازمین می رود) نتایج مطلوب بدهد بعلاوه معتقدند که دم کرده غلیظ آن اگر در آغاز بیماریهای ماندناژین، برونشیت، ذات الجنب و غیره بکار رود نه تنها از پیشرفت بیماری جلوگیری می کند بلکه منجر به بهبودی بیمار نیز می شود.

آزمایشهای مختلف نشان داده است که بخارات متصاعده از وارد کردن گلکهای این گیاه در آب جوشی که کمی سرکه بدان افزوده باشند، نه تنها در رفع ورم لوزتین اثر مطلوب دارد بلکه در بیماریهای ریوی مانند سل، خروج اخلاط چسبناک را آسان می سازد (Havin, Hufeland). گلکهای تازه گیاه، مانند پوست و برگ آن، به علت مدر بودن می تواند در بیماریهای کلیه و مجاری ادرار، مثانه، سنگ کلیه و غیره مصرف شود. بعلاوه اثر زیاد کننده ترشحات شیر و درمان صرع (Epilepsie essentielle) دارد.

در استعمال خارج، جوشانده گلکهای خشک شده گیاه به صورت کمپرس، اثر بسیار خوب در رفع آگزما و باد سرخ دارد. در این موارد اگر از گلکهای تازه، جوشانده تهیه شود، نتیجه حاصل بهتر خواهد بود.

لوسیونهای حاصل از گلکهای این گیاه، در رفع ورم ملتحمه و التهاب مزمن کره چشم مؤثر ذکر شده است بعلاوه جوشانده گلکهای تازه آن، در موارد خیز عمومی بدن، تومورهای سرد، زخمهای که بیم غائقرایائی شدن دارند و همچنین زخمهای عادی، ورم سطحی بدن و سوختگی ها اثر بسیار مفید ظاهر می کند.

میوه گیاه دارای اثر ملین، مسهل، مدر و رفع دردهای رماتیسمی است. مصرف آن در استسقا و رماتیسم توصیه شده است.

آزمایشهای متعدد Dr. J. Barel در سال ۱۹۳۸ نشان داده است که میوه این گیاه در رفع رماتیسم مفصلی حاد اثر مفید دارد. بعلاوه مدر و تسکین دهنده است. شیره تغلیظ شده میوه اگر در موارد اخیر بکار رود، اثر مفید تر ظاهر خواهد ساخت. ضمناً بطوری که آزمایش به عمل آمده است، شیره تازه میوه می تواند در رفع در های عصبی، از داروهای اختصاصی به شمار آید (H. Epstein در سال ۱۹۱۴).

صورت داروئی - جوشانده ۲ تا ۳ گرم پوست ساقه گیاه، برگ و یا میوه آن در نیم لیتر آب یا شیر (صبح ناشتا در ۲ یا ۳ دفعه به فواصل نیم تا یک ساعت) به عنوان مسهل - جوشانده ۲ شست از پوست ساقه در یک لیتر آب به عنوان مدر بطوری که محلول پس از جوشیدن به نصف حجم اولیه برسد.

شیره پوست گیاه به مقدار ۱۰ تا ۱۰۰ گرم، به صورت خالص یا مخلوط در عسل یا در شراب - سفید دم کرده ۱۰ تا ۳۰ در هزار گلکهای خشک شده در یک لیتر آب جوش به عنوان معرق (مقدار مصرف این دم کرده، یک فنجان کوچک در هر دفعه است و طوری باید به بیمار داده شود که به فواصل معین در یک روز بکار رود).

در موارد استسقاء، ۵۰ گرم پوست ساقه یا ریشه را در یک لیتر شراب سفید، دم می کند و به مقدار ۲۰ گرم (در دفعه اول) تا ۱۰۰ گرم (تدریجاً در دفعات بعد) برای ۴ مرتبه در شبانه، روز به مصرف می رسانند.

گرد برگهای خشک شده این گیاه به مقدار ۱ تا ۱۰ گرم، مخلوط با عسل در موارد اسهال و دیسانتري بکار می رود.

خسپانده ۱۰ گرم گلکهای خشک در یک لیتر سرکه نیز مصرف دارد. برای این کار گلکهارا در داخل ظرف گلی محتوی سرکه وارد می کنند و به مدت ۱۰ روز در آن قرار می دهند سپس محلول حاصل را که محتوی مواد مؤثره گل است از آن خارج کرده در مواقع ضروری، به مقدار ۴ تا ۱۰ گرم در یک فنجان آب گرم وارد می کنند و چند قطعه قند بدان می افزایند. با این ترتیب محلولی شیرینی به دست می آید که به عنوان مدر و معرق در موارد سرماخوردگی، ذات الریه، و رماتیسم - می تواند مصرف شود.

درطب عوام، از گلهای این گیاه مخلوط باهم وزن آن برگ گردو، دم کرده ای تهیه می شود که برای رفع خنازیر (Scrofula) بکار می رود. در استعمال خارج، از دم کرده ۱۰ درصد گلهای، محلول های شستشوی زخم و جراحات تهیه می شود. دم کرده ۲ مشت گل در یک لیتر آبجوش (مدت دم کردن ۱۰ دقیقه)، به صورت کمپرس یا حمام موضعی گرم برای درمان سرماخوردگی و حمام چشم برای رفع بیماری های التهابی چشم، همچنین آگزمای پلک ها (به حالت سرد) به کار می رود.

شیره میوه که از فشردن میوه های رسیده به دست می آید به مقدار یک قاشق در یک لیوان آب و یا مخلوط ۲ تا ۱۰ گرم آن در یک لیتر الکل رقیق، به عنوان مدر یا ملین مصرف می شود در مورد اخیر، مقدار مصرف محلول الکلی، ۱۰ تا ۳۰ گرم و ۳ مرتبه در روز برای اشخاص بالغ است.

مصرف ۲ تا ۳ گرم شیره تغلیظ شده گیاه، در رماتیسم و دردهای عصبی غالباً معمول است. از شیره میوه گیاه، شربت غلیظی تهیه می شود که در رفع استفراغ های منشاء عصبی بکار برده می شود. برای این کار، شیره میوه را باهم وزن خود قند، مخلوط کرده می جوشانند تا به خوبی حل شود. مقدار مصرف این شربت، یک قاشق غذاخوری قبل یا بعد از هر غذاست. از میوه های رسیده، شرابهای مدر نیز تهیه می شود.

مصارف دیگری که از اعضای مفید این گیاه بعمل می آید به شرح زیر است:

از برگ آن در مارگزیدگی و گزش زنبور عسل استفاده می شود. جوشانده های غلیظ برگ و جوانه های تازه آن در انهدام نوزاد حشرات و آفات مختلف سبزیها کمک مؤثر می کند. از این جهت آنرا باگردپاش بر روی اعضای آفت دیده گیاهان می پاشند.

گللهای تخمیر یافته این گیاه اگر در نوشابه ها وارد شود، عطرو بوی مخصوصی بدان هائی بخشد که مورد توجه است.

بهداشت پوست

دم کرده یک مشت از گلهای راکه به نحو فوق تهیه شده باشد می توان به صورت کمپرس سرد جهت حفاظت پوست های حساس، بر روی آن اثر داد.

از مخلوط دم کرده گلهای و آرژیل (خالک رس تمیز)، ماسک صورت جهت تأمین بهداشت پوست صورت و شادابی آن تهیه می شود.

اعضای مختلف این گیاه مانند گل، میوه و پوست ساقه آن در فرمول فرآورده های داروئی مختلف وارد می شود:

نسخه ۱- دم کرده مدر برای رفع بیماریهای کلیه

گل (Sambucus nigra)	۱۰	گرم
گل گاوزبان	۱۰	»
گل همیشه بهار	۱۰	»
Parietaria officinalis	۲۰	»
شربت نعناع	۱۰۰	»
آب	۶۰۰	»

مخلوط اعضای چهار گیاه فوق را در آبجوش وارد کرده به مدت یک ساعت به حال خود باقی می گذارند تا به خوبی دم کند سپس محلول حاصل را با فشار صاف کرده شربت نعناع و آب به آن افزایند.

مقدار مصرف محلول حاصل، یک لیوان در هر دفعه برای اشخاص بالغ است بطوریکه تمام محلول در ۲ ساعت مصرف شود.

در تهیه دم کرده مذکور اگر Parietaria officinalis، به حالت تازه به کار رود، اثر درمانی بهتر ظاهر خواهد شد.

نسخه ۲- درمان آب آوردن شکم و ورم کلیه (۱)

پوست ساقه های یک تا دو ساله Sambucus nigra	۱۰	گرم
عصاره میوه Juniperus communis (۲)	۳	»
آب	۴۰۰	»

ابتدا پوست ساقه را به مدت ۲ دقیقه در آب می جوشانند و سپس به مدت ۱۰ دقیقه دم می کنند. پس از صاف کردن، عصاره میوه را به آن می افزایند. مقدار مصرف آن برای درمان آب آوردن شکم (Ascite) و ورم کلیه (نفريت)، یک قاشق سوپخوری در ۲ ساعت برای اشخاص بالغ است.

۱- آب آوردن شکم یا Ascite، عبارت از جمع شدن غیر طبیعی مایعات بدن در محوطه صفاق است.

۲- گیاه مذکور و وارسته ای از آن به نام Var. depressa Boiss. به اساسی فارسی پیرو، اربس (Arbas) یا اربز (Arbaz)، در کتب علمی وارد شده است. میوه گیاه مذکور، Baie de genièvre نامیده می شود.

ترکیبات شیمیائی - برگ این گیاه، طبق اظهارعه‌ای از قدما دارای یک گلوکزید مولد اسیدسیانیدریک به نام سامبونیگرین، به مقدار بسیار کم است ولی دانشمندان و محققین سالیهای اخیر آنرا عاری از هر نوع گلوکزید ذکر نموده‌اند (Guignard).



ش ۱۸۳ - Sambucus Ebulus : ۱ - سرشاخه گلدار (اندازه طبیعی) ۲ - گل
۳ - میوه و برش میوه آن

علاوه بر گلوکزید مذکور، مواد دیگری نظیر امولسین، یک ماده تلخ، نوعی اسانس به نام اسانس یبل (E. viëble)، پالمیتین و ساکارز (به مقدار ۲ تا ۲۴ درصد در برگ خشک) نیز در برگ یافت می‌شود.

نسخه ۳ - کمپرس جهت درمان سوداء و دانه‌های جلدی

. . گرم از هر یک	}	Arctium Lappa	برگ بابا آدم
		Betula alba	» توس
		Sambucus nigra	» پنیرک گل یاسر شاخه گلدار

مقدار ۳ سشت، مخلوط اعضای گیاهان مذکور را در یک لیتر آب به مدت یک ربع ساعت می‌جوشانند و ۱۰ دقیقه قبل از استفاده از آن، مخلوط آب و آرزویل (خاک رس تمیز) که به صورت گل درآمده باشد به آن می‌افزایند و بر روی پوست اثر می‌دهند (Cure végétales).

محل رویش - نواحی شمالی ایران و باغهای همدان.

برای این گیاه، نام **الگور کولی** نیز ذکر شده است. وارته‌های زینتی متعددی از آن پرورش می‌یابد.

Sambucus Ebulus L.

S. herbacea Gilib. ، S. humilis Mill.

فرانسه : Herbe aux yeux ، Herbe à aveugle ، Yïèle ، Hiëble ، Petit sureau
انگلیسی : Ground elder ، Dwarfelder ، Blood - hilder ، Danwort ، Danewort
آلمانی : Zwergblatt ، Kraut - holder ، Zwerg - flieder ، Attichholunder ، Attich
ایتالیائی : Zambucco erbaceo ، Sambuchella ، Sambuco minor ، Ebulò ، Ebbio
فارسی : پلم ، پلخون ، شون ، شونده ، آقطی - عربی : خمان صغیر ، خاما آقطی

گیاهی علفی و به ارتفاع ۱ تا ۲ متر است. در سراسر منطقه شمال ایران، در کنار جاده‌ها، حاشیه کودالها و حدود خارجی جنگلها یافت می‌شود. برگهای آن دارای ۵ یا ۷ و گاهی ۹ برگچه بیضوی دراز، نوک تیز و دندانه دار با ظاهری متمایز از گونه قبلی است. گلهای مجتمع آن، رنگ سفید سایل - به گلی دارند و پس از رسیدن نیز به میوه‌های کوچک، کروی و به رنگ سیاه مایل به ارغوانی تبدیل می‌گردند. از تمام قسمتهای این گیاه نیز، بوی قوی و نامطبوعی متصاعد می‌شود که وجود آنرا در هر منطقه‌ای که وجود داشته باشد به سهولت نشان می‌دهد.

پوست ساقه، ریشه، گل، میوه و دانه این گیاه، دارای اثر درمانی است ولی اگر به مقدار زیاد مصرف گردند، ایجاد عوارض ناراحت کننده می‌نمایند.

ریشه‌اش دارای ساکارز، یک ماده تلخ، اسیدهای آلی مانند اسید استیک، تانیک و والرینیک، ساپونین (منحصرأ در ناحیه پوست ریشه)، هی‌بیلین hiéblin، یک آنزیم و غیره است.

پوست ساقه و شاخه‌ها دارای یک ماده تلخ، اسولسین و پکتین است ولی ساکارز در آنها یافت نمی‌شود.

گل‌های این گیاه دارای اسانس و سیوه‌آن دارای تانن، اسانس، قند، یک ماده تلخ و اسید- والرینیک، مالیک و وینیک، سیتریک و آنتوسیان است.

در دانه‌اش مواد روغنی قابل استخراج وجود دارد که مقدار آن به ۲۰ درصد می‌رسد. روغنی که از دانه این گیاه استخراج می‌شود، حالت روان، رنگ زرد و بوی مخصوص دارد. در گرمای ۳۰- درجه نیز انجماد حاصل می‌کند (Mensier, P.).

خواص درمانی - مصارف درمانی این گیاه تقریباً شبیه گیاه قبلی است.

آزمایش‌های متعددی که بر روی اعضای مختلف این گیاه بعمل آمده نشان داده است که پوست این گیاه دارای اثر سسلی و مدر است. گل‌های آن، معرق و برگ آن در رفع التهاب بافت‌ها مؤثر می‌باشد. در موارد استسقاء، ورم مزمن مفاصل، بیماری‌های جلدی و غیره، بیشتر پوست داخلی ریشه و دانه گیاه را می‌توان بکاربرد ولی مصرف مقدار زیاد آنها، ناراحتی‌هایی نظیر قی و اسهال ایجاد می‌کند.

جوشانده جوانه‌ها و برگ گیاه نیز اثر سسلی دارد ولی در طب عوام بیشتر جوشانده آن به صورت غرغره برای رفع درد گلو، بکار می‌رود.

در استعمال خارج، ضماد برگ را در محل کوفتگی‌ها و همچنین در باد سرخ می‌توان مورد استفاده قرار داد.

صورت داروئی - جوشانده ۱۲ تا ۳۰ در هزار پوست و ریشه به مقدار ۳ تا ۱۰ گرم در روز بین هر دو غذا دم کرده ۴ تا ۸ در هزار گل.

در کشاورزی، برگ‌های تازه و شاخه‌های برگ‌دار گیاه را در انبار بر روی توده گندم می‌گسترانند تا از نفوذ حشرات و پیدایش شپشه، جلوگیری بعمل آید.

از برگ و شاخه‌های جوان نیز جوشانده‌های ۱۰ تا ۱۰۰ در هزار با آب تهیه می‌کنند بنحوی که مدت جوشاندن از ۲ تا ۳ دقیقه تجاوز نماید سپس محلول حاصل را صاف کرده با آب پاش بر روی اماکن آلوده و با استفاده از گردپاش، جهت از بین بردن شته و حشرات دیگر، می‌پاشند (Danzel, L. p. 177).

محل رویش - نواحی شمالی ایران، گرگان، بندرگز، کتول، مازندران، دره‌هاز، کره‌زنگ

(Karehsang) در ۱۰۰۰ متری، سواحل مازندران، گیلان: رشت، امامزاده هاشم (رویا زرگری). فومن، قزوین، ورده نزدیک کرج.

اسامی محلی: این گیاه در نواحی شمال ایران به اسامی پلیم، پل خوم، پل خون، پلیم و شون موسوم است.

Sambucus racemosa L.

فرانس: Bureau de montagne، S. au cerf، S. rouge، Bureau à grappe

انگلیسی: Hart's elder، Red berried elder، Poison elder، Dwarf elder

آلمانی: Trauben - Holunder، Roter - Holunder، Trauben - Flieder

ایتالیائی: Sambuco di montagna، Sambuco montano فارسی: آقظی سرخ

درختچه‌ای است به ارتفاع ۴ تا ۴ متر و دارای ظاهر قشنگ و زیبا که به حالت خودرو در دشت‌های نواحی مختلف اروپا، مخصوصاً دامنه‌های منتهی به جنگل‌های وسیع می‌روید. برگ‌های آن مرکب از ۵ یا ۷ برگچه دندانه‌دار بادسبک فرعی کوتاه و ظاهر بیضوی دراز است. گل‌هایی برنگ سفید مایل به سبز و مجتمع به صورت خوشه‌های بسیار منشعب دارد و چون این گل‌ها قبل از پیدایش برگ در گیاه ظاهر می‌شوند، منظره زیبا بدان می‌بخشند. از مجموعه گل‌های آن نیز بوی ملایمی شبیه بوی آرد استشمام می‌گردد.

سیوه آن که در اواخر تابستان به مرحله کامل رسیدن می‌رسد، رنگ قرمز مرجانی و بسیار زیبا دارد.

در گل آذین‌های پرگل آن، نوش کافی برای استفاده زنبور عسل فراهم می‌شود.

پرورش این درختچه، به علت زیبایی گل‌ها و مخصوصاً سیوه‌های آن، در نواحی مختلف و حتی در ایران معمول است.

پوست ساقه، برگ و سیوه آن به مصارف درمانی می‌رسد.

ترکیبات شیمیائی - در اعضای این گیاه، به خلاف گونه‌های قبلی، گلوکزید سولید اسید سیانیدریک وجود ندارد.

پوست داخلی ساقه، برگ و حتی شاخه‌ها و ریشه آن دارای ۲۰ درصد ساکارز (دراعضا خشک شده گیاه) است.

دانه‌اش دارای ۲۰ تا ۲۵ درصد ماده روغنی و اسیدهای آلی مانند اولئیک، پالمینیک و آراشیدیک است. وزن مخصوص روغن دانه نیز ۰.۷۹ تا ۰.۹۲ ر. در گرمای ۱۵ درجه می‌باشد.

خواص درمانی - اختصاصات درمانی اعضای مختلف این گیاه شبیه دوگونه قبلی ولی با اثر ضعیفتر است. شیره میوه آن اثر معرق قوی دارد. استفاده درمانی آن کمتر بین مردم معمول می باشد.

این گیاه در ایران پرورش می یابد.

Sambucus canadensis L.: در بعضی از نواحی آمریکا مانند کانادا می روید. گل‌های آن دارای اسانس، رزین مواد چرب، موسیلاژ و تانن است. از نظر درمانی اثر مدر، معرق و مسهلی دارد. دانه آن دارای ۳۲ درصد از نوعی ماده روغنی است که ۹۳٫۱ درصد اسیدهای چرب آنرا، اسید لینولئیک و بقیه را اسیدهای چرب اشباع شده مانند استئاریک (۲٫۶ درصد)، اسید پالمیتیک (۳) (رسته) تشکیل میدهد. وزن مخصوص این روغن در گرمای ۲۰ درجه، ۰٫۹۳۲ تا ۰٫۹۵۲، اندیس انکسار آن در گرمای ۲۰ درجه، ۱٫۴۷۱۲ تا ۱٫۴۷۹۵، اندیس یدان بین ۱۸۴۹ تا ۱۸۶۲ و اندیس صابونی آن ۱۸۶ تا ۱۹۶ است (Mensier, P.H. 507).

Lonicera caprifolium L.

Caprifolium hortense Lam. ، C. perfoliatum Roehl.

فرانسه : Chèvrefeuille ، Chèvrefeuille d'Italie ، Ch. commum ، Chèvrefeuille
انگلیسی : Garden woodbine ، Caprifole ، Italieu -houeysuckle ، Woodbine
آلمانی : Heckenkirsche ، Zahn - Hahnefüssle ، Wohlriechendes - Geissblatt
ایتالیائی : Bracciabosco ، Matriselva ، Madreselva ، Caprifoglio ، Caprifolio
فارسی : پیچ امین اولوله - عربی : سلطان الجبل ، ماطرشلبه (Matarshilbah)

گیاهی است بالارونده و به ارتفاع ۱ تا ۳ متر که به حالت سازه یافتن و نیمه وحشی در حاشیه جنگلهای بعضی از نواحی جنوب اروپا مانند فرانسه و غیره یافت می شود بعلاوه در بسیاری از نواحی پرورش می یابد. برگهای آن رنگ سبز تیره و وضع متقابل نسبت به هم دارند. از به هم پیوستن برگهای آن در قاعده، نوعی جام در سرشاخه ها بوجود می آید که در داخل آنها، مجموعه گل‌های انتهائی جای دارند. گل‌های آن که در فاصله ماههای اردیبهشت و خرداد ظاهر می شود، به رنگ سفید مایل به زرد است ولی قسمت داخلی جام آنها، رنگ مایل به قرمز دارد. بوی آنها بسیار معطر و مطبوع می باشد.

میوه این گیاه، گوشته دار، بیضوی و به رنگ قرمز ارغوانی است ولی پس از رسیدن کامل، رنگ تیره حاصل می کند.

خواص درمانی - برگ این گیاه دارای مقداری تانن است و سابقاً از آن جوشاندهای تهیه می نمودند که به صورت غرغره و به عنوان قابض مصرف داشته است. از گل‌های آن سابقاً نوعی آب مقطر و شربت مقوی قلب و رفع کننده سرفه و تحریکات سینه تهیه می نموده اند.



ش ۳- *Lonicera caprifolium* : سرشاخه گلدار (اندازه طبیعی) - گل و پرچم (در زیر ذره بین)

غالب اختصاصات درمانی این گیاه به گونه دیگری از آن به نام *L. periclymenum* L. شباهت دارد.

این گیاه مدت‌هاست که تحت نام *پیچ امین الدوله* در ایران پرورش می‌یابد و در ردیف پیچهای زینتی جای دارد.

**Lonicera periclymenum* L.

فرانسه : *H. à la vierge*; *Herbe de la Pentecôte*; *Périclymène*; *Chèvrefeuille des bois* ;
انگلیسی : *Suckle - bush* ، *Honey - bind* ، *Bindwood* ، *Common - honeysuckle* ;
آلمانی : *Gemeines - Geissblatt* ، *Deutsches - Geissblatt* ، *Wald - Heckenkirsche* ;
ایتالیائی : *Bracciabosco* ، *Caprifoglio dei boschi* ، *Madreselva* ، *Periclimeno* ;
عربی : صریمة الجدی (Sarimat el gadi)

درختچه‌ای بالا رونده و دارای ساقه‌هایی است که به مجرد تماس با درختان و یانکیه- گاههای اطراف خود، به دور آنها از چپ به راست می‌پیچد و تا ارتفاع ۵ متر حتی بیشتر، از آنها بالا می‌رود. پراکندگی آن به صورتی است که در جنگلهای غالب نواحی اروپا مخصوصاً کشور فرانسه، به حد فراوان می‌روید. وسعت انتشار آن بیشتر در دامنه‌های مشرف به مدیترانه است.

برگهای این درختچه، ظاهر بیضی و کناره صاف یا موجدار و گاهی منقسم به لبوهای مشخص در قسمتهای فوقانی ساقه دارد. از به هم پیوستن برگهای آن، محفظه کوچکی فراهم می‌گردد که در آن، قطرات باران جمع می‌شود. گلنهای معطر آن در آغاز شگفتن، رنگ سفید مایل به گلی دارد ولی تدریجاً مایل به زرد و زرد می‌شود. زمان گل دادن آن، به تفاوت در فاصله ماههای خرداد و تیر است.

میوه‌اش به رنگ قرمز و دارای شکل بیضی است.

پراکندگی زیاد این درختچه در یک ناحیه به علت آن است که جوانه‌هایی بر روی ریشه آن ظاهر می‌شود که از آنها، شاخه‌های جداگانه نتیجه می‌گردد. با این روش موجبات سرعت تکثیر گیاه در یک منطقه فراهم می‌شود.

برگ، ریشه، گل و میوه این درختچه سابقاً مصارف درمانی در طب عوام داشته است ولی امروزه استفاده از آن بکلی متروک شده است.

گلنهای فراوان آن، نوش کافی فراهم می‌کنند ولی فقط حشرات کوچک می‌توانند به داخل جام وارد گردیده از آن استفاده نمایند.

ترکیبات شیمیائی- گلنهای این درختچه دارای اسیدسالیسیلیک، اسانسی بابوی معطر، ساکارز، انورتین و یک گلوکزید است. مشخصات گلوکزید و ترکیبات دیگر آن هنوز بطور کامل بررسی نشده است.

خواص درمانی- از پوست و حتی تمام قسمتهای ساقه این درختچه، سابقاً به عنوان رفع نزله، معرق، مدر و تصفیه کننده خون، استفاده بعمل می‌آمده است بطوری که در بیماریهای مختلف مخصوصاً در موارد آب آوردن انساج، سنگ کلیه، زردی و غیره، جوشانده ۰.۰۵ در هزار و یا شراب آن، مصرف می‌شده است. این شراب که از خیساندن ۱۰ گرم پوست ساقه در یک لیتر شراب سفید به دست می‌آمده به مقدار ۳ فنجان، هریک محتوی ۷۰ سانتیمتر مکعب، مصرف می‌شده است.

برگ آن اثر قابض دارد و از آن جوشانده‌ای تهیه می‌توان کرد که به صورت غرغره در رفع التهاب و درد گلو اثر مفید ظاهر نماید ضمناً له شده آن، اثر معالج والتیام دهنده زخم‌های سطحی بدن دارد.

گلنهای آن که باید قبل از شگفتن، چیده و در سایه خشک شده باشد، به صورت دم کرده ۴ تا ۸ در هزار و به مقدار ۲ یا ۳ فنجان در روز، جهت رفع سرفه، گریپ، نزله‌های ششی، آسم‌های منشاء عصبی، سکسکه، سردردهای یکطرفه (Migraine) و حالات تشنجی، هنوز هم مصرف می‌گردد.

میوه آن اثر مدر دارد.

این گیاه در ایران نمی‌روید.

L. Xylosteum L. - برگ، گل و پوست ساقه این درختچه نیز می‌تواند مانند گیاه قبلی مورد مصرف قرار گیرد. فقط باید توجه داشت که برای میوه آن در کتب داروئی، اثر قوی آورو سلهلی ذکر گردیده است.

صرف میوه آن مخصوصاً برای اطفال خطرناک است و ایجاد سمومیت می‌نماید.

این گیاه در ایران نمی‌روید ولی در اروپا، در دامنه‌های آلپ (ارتفاعات ۱۰۰۰ متری)، و نواحی مرکزی کشور فرانسه می‌روید.

برای **L. etrusca Santi** که آن نیز غالباً پرورش می‌یابد، صفات درمانی مشابه *L. periclymenum* ذکر شده است.

انواع زینتی متعددی از این گیاهان به علت ظاهر زیبا و گلنهای معطری که دارند در ایران پرورش می‌یابند.

Viburnum Opulus L.

V. lobatum Lam. ، Opulus glandulosus Moench.

فرانسه : Rose de Gueldre ، Fausse boule de neige ، Viorne ، Obier

انگلیسی : Dog berry ، Gottridge ، Water elder ، High bush cranberry

آلمانی : Schlingbaum ، Wasser Holder ، Gemeiner Schneeball

ایتالیایی : Sambuchello ، Sambuco aquatico ، V. roseo ، Viburno loppo

فارسی : **باداغ جنگلی** - عربی : افلوس (Aflūs)

درختچه‌ای به ارتفاع ۳ تا ۴ متر و دارای برگهائی بارگیرگهای پنجه‌ای منشعب و کناره مستقیم به لوبیهای دنداندار است. در نواحی مرطوب سایه‌دار وحاشیه جنگلها، مخصوصاً اگر جنس زمین آهکی باشد می‌روید. پراکندگی آن بنحوی است که در نواحی مختلف امریکای شمالی، نواحی مرکزی و جنوبی اروپا و آسیا یافت می‌شود. گل‌های سفیدرنگ و غیر معطر آن در فاصله ماه‌های اردیبهشت و خرداد به صورت نوعی گل‌آذین دیهیم چتر مانند در گیاه ظاهر می‌شود. از مشخصات دیگر این درختچه آن است که گل‌های کناری گل‌آذین‌های آن، جام‌درشت ولی گل‌های مرکزی گل‌آذین، جام کوچک دارند.

میوه‌اش به صورت سته، دارای رنگ ارغوانی و به قطر یک سانتیمتر است. زنبور عسل به علت عاری بودن گل‌های آن از نوش، منحصرأ به سوی دانه‌های گرده گل‌های مرکزی گل‌آذین آن جلب می‌گردد زیرا گل‌های کناری عموماً عقیم و عاری از پرچم و مادگی می‌باشند. قسمت سورد استفاده این درختچه، پوست ریشه، ساقه، برگ و میوه‌های آن است. گل‌های آن صرف نمی‌گردد.

ترکیبات شیمیائی- برگ این درختچه دارای ساکارز، انورتین، امولسین و گلوکزیدی است که بر اثر تجزیه ساده، اسید والرینیک از آن آزاد می‌شود.

پوست آن دارای یک ماده رزینی تلخ به نام **ویبورنین** (viburnine) ، تانن، صمغ، موم، قند، پکتین، یک گلوکزید (با ترکیب تعیین نشده)، اسیدهای فریبیک، استیک، والرینیک، مالیک، کاپریلیک، اولئیک، لینولئیک و همچنین فیتوسترول است.

ویبورنین (Viburnine) ، ماده‌ای است رزینی که بر اثر هیدرولیز، به گلوکز و نوعی ماده تلخ با بوئی مخصوص شبیه والرین که هنوز به خوبی شناخته نشده است تجزیه می‌شود (Reutter, p. 297).



ش ۱۸۵ - Viburnum Opalus : ۱- سرشاخه گلدار - ۲- مجموعه میوه‌ها - ۳- مجموعه

چندگل (به اندازه‌های طبیعی) - ۴- دیاگرام

در میوه‌اش، تانن، اسیدهای آلی مختلف و یک ماده رنگی یافت می‌گردد. مغز دانه آن دارای ۳ درصد ماده روغنی است که در صورت استخراج، حالت روان و وزن مخصوصی برابر ۹۳۰ ر. در گرمای ۱۰ درجه دارد.

خواص درمانی - پوست ساقه و همچنین ریشه این درختچه، اثر ضد تشنج، قابض، مدر، تقویت کننده اعمال سلسله اعصاب و درمان قاعدگی‌های دردناک دارد. پزشکان کشور آلمان از آن به عنوان یک داروی اختصاصی بیماریهای زنان در موارد قطع حالت قاعدگی زنان جوان، اشکال وقوع قاعدگی، خونریزیهای زنان یا سگی، عوارض عصبی زبان حاملگی، زایمان‌های زودرس و واسپاسم رحمی در زنان وضع حمل، استفاده بعمل می‌آورند ضمناً در موارد هیستری، قولنج‌ها و اسهالهای ساده آنرا بکار می‌برند.

اسروزه در موارد فرآورده‌های این گیاه چنین عقیده دارند که اثر آنها مستقیماً بر روی دستگاه رحمی نیست بلکه این مواد، بطور غیر مستقیم اثر ضد تشنج (آنتی اسپاسمودیک) شبیه والرین ظاهر می‌نمایند.

در بررسی‌های جدید برای اعضای این گیاه و *V. Lantana L.*، اثر مقوی قلب ذکر شده است (۱).

از گل‌های این گیاه می‌توان برای مصارفی که پوست ساقه دارد استفاده بعمل آورد. برگ و میوه آن دارای اثر مسهلی وقتی آور است.

استفاده از آن در طب عوام چندان معمول نیست.

صور داروئی - از پوست این درختچه به صورت دم کرده ۲ تا ۳ گرم در ۱۰۰ گرم آب استفاده بعمل می‌آورند. اطباء عصاره روان آنرا که به مقدار ۲ تا ۵ قطره (۳ مرتبه در ۴ ساعت) مصرف شود، بر دم کرده مذکور ترجیح می‌دهند.

محل رویش - این درختچه در گردنه حیران، بین آستارا و اردبیل (در ارتفاعات ۱۴۰۰ متری) در جنگل فندق می‌روید (F.I. Iran).

در بعضی کتب داروئی و علمی مانند مرکابندکس، بجای گیاه مذکور واریته‌ای از آن به نام *Var. americanum Ait.*، برای مصارف درمانی و رفع اسپاسم‌های رحمی، مورد استفاده ذکر شده است (۲).

1 - Lièvre H., Revue du jeune Médecin, No. 100, 25 Oct. (1932).

2 - The Merck Index, No. 9628, (1976).

Viburnum Lantana L.

V. tomentosum Lam. ، *V. pallidum* Salisb.

فرانسه : *Viorne flexible* ، *Cormancienne* ، *Mansèvre* ، *Mantiane* ، *Mancienne* ؛
انگلیسی : *Cottonner* ، *Lithy tree* ، *Pliant tree* ، *Whipcrop* ، *Wayfaring tree* ؛
آلمانی : *Viburno* ، *Lantana* ؛ *Kandelweide* ، *Wolliger - Schneeball* ایتالیائی ؛
فارسی : **هفت کول، مخرا، گرمه‌شو، زیندار، پلاخور** (اسامی گیاه در نواحی شمالی ایران)
درختچه‌ای به ارتفاع ۲ تا ۳ متر و دارای ظاهری کاملاً متمایز از گونه قبلی است زیرا برگ‌های آن دارای کناره صاف، شکل بیضوی نوک‌تیز، ضخیم و پوشیده از تارهای کرک‌مانند زیر-نمدی، مخصوصاً در سطح تحتانی است. شاخه‌های جوان آن در زمستان حالت انحنای پذیر دارد و از کرک‌های نمدی به صورت یک قشر ضخیم پوشیده می‌باشد.

این درختچه در اروپا، افریقای شمالی و آسیا پراکندگی دارد. در ایران نیز در منطقه وسیعی از حدود فوقانی جنگلهای شمال یافت می‌گردد. گل‌های سفید رنگ آن، بوی ملایم دارند و به صورت گل‌آذین دیهیم، در فاصله اواخر فروردین تا اوایل خرداد در گیاه ظاهر می‌شوند. میوه آن گوشته‌دار، بیضوی مسطح، به درازای ۷ تا ۸ میلی‌متر و در آغاز به رنگ سبز است ولی تدریجاً قرمز و خاتماً سیاه‌رنگ می‌شود.

ژنورسسل، منحصرأ به سوی دانه‌های گرده‌گل‌های آن جلب می‌گردد زیرا گل‌های آن عاری از نوش است.

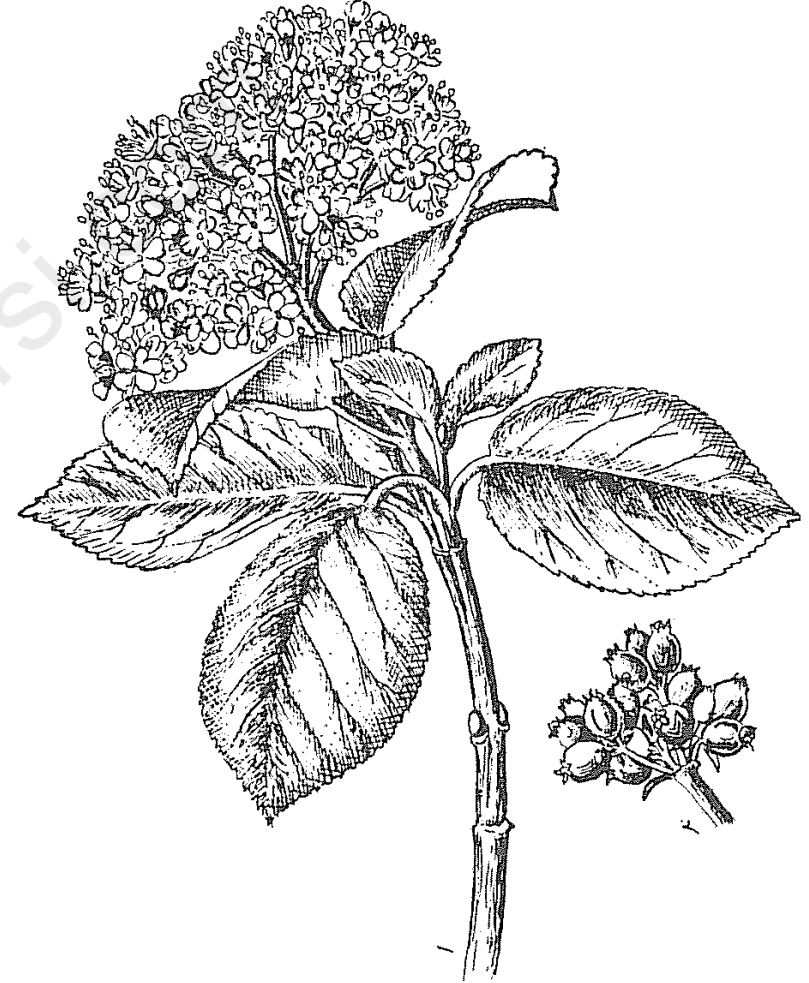
قسمت مورد استفاده این درختچه از نظر درمانی، برگ، میوه و پوست آن است. گل‌های آن به مصرف نمی‌رسد.

ترکیبات شیمیائی - پوست این درختچه دارای یک ماده چرب و چسبنده و ماده دیگری با اثر قرمز کننده پوست و تاول آور است. گل‌های آن دارای ساکارز، انورتین، اسولسین، اسید - والرینیک و نوعی گلوکزید است. در میوه‌اش اسید والرینیک وجود دارد.

خواص درمانی - برگ و میوه این درختچه اثر قابض دارند و از جوشانده آنها، در رفع دیسانتری و اسهال‌های ساده استفاده بعمل می‌آید.

در استعمال خارج، از جوشانده آنها به صورت غرغره در رفع آئزین‌های ساده و ورم لته استفاده بعمل می‌آید. ضمناً پزشکان قدیم عقیده داشته‌اند که در موارد پائین افتادن لته و ظاهر شدن قاعده دندان، از جوشانده مذکور می‌توان استفاده درمانی با اثر رضایت بخش بعمل آورد (Martindale).

میوه این گیاه موقعی که کاملاً رسیده و رنگ سیاه و مختصری تخمیر حاصل نموده باشد، طعمی ملایم دارد و می‌تواند به مصارف درمانی برسد. مصرف خوراکی ندارد.



ش ۱۸۶ - Viburnum Lantana - ۱- سرشاخه گلدار ۲- مجموعه میوه‌ها

از پوست خشک شده این درختچه، می‌توان برای مصارف درمانی مشابه گیاه قبلی، استفاده بعمل آورد.

محل رویش - شمال ایران، جنگلهای نواحی شمالی تا پل زنگوله (در ارتفاعات ۲۶۰۰ متری). گرگان: کوه شاهوار نزدیک حاجی لنگ در ارتفاعات ۲۴۰۰ - ۲۶۰۰ متری. دره چالوس در ۲۴۰۰ متری، دره‌راز گیلان: کوههای نزدیک تنکابن. آذربایجان: قره‌داغ، نزدیک حسن-بیگلر، کالیبار.

اسامی محلی - این درختچه در آمل، مازندران و لاهیجان به هفت کول، در نور و کجور به مخفرا (Makhrā)، در زیارت به زینهار، در ارسباران به گرم‌شو و در درفک به پلاخور موسوم می‌باشد.

Viburnum Tinus L.

V. laurifolium C. Koch.

فرانسه: Laurier tin، Viorne tine انگلیسی: Wild baie tree

آلمانی: Lorbeer schlinge ایتالیایی: Viburno lauro tino

درختچه‌ای به ارتفاع ۲ تا ۳ متر و دارای برگهای ضخیم، شفاف، به رنگ سبز تیره، عاری از دندانه و همیشه سبز است. از اختصاصات آن این است که گلهای آن اولاً در اواخر زمستان ظاهر می‌شود و منظره زیبا بدان می‌بخشد و ثانیاً رنگ آنها در آغاز، صورتی است ولی بعداً سفید رنگ می‌گردد.

میوه‌اش تقریباً کروی و به رنگ سیاه است.

ترکیبات شیمیائی - دارای ماده قابل تبلور و غیر احياء کننده به فرمول $C_7H_{12}O_6$ است که در گرمای ۱۸۱ درجه ذوب می‌شود. این ماده که ایزومر Quercitol است، نخستین بار در سال ۱۹۳۶ توسط G. Poirot و Mm. Hérissay کشف گردید و ویبورنیتول viburnitol نامیده شد.

خواص درمانی - میوه‌اش دارای اثر مسهلی و رفع نزله است.

این درختچه در منطقه مدیترانه می‌روید و در نواحی مختلف اروپا نیز پرورش می‌یابد. پرورش آن در سالهای اخیر بین مردم در ایران معمول گردیده است.

*** Viburnum prunifolium L.**

درختچه‌ای است که در آمریکا، منطقه میسیسیپی تا فلوریدا می‌روید و ارتفاعی در حدود ۴ تا ۵ متر دارد. از مشخصات آن این است که برگهای تخم‌مرغی یا بیضی مدور در قاعده و گلتهائی مجتمع به صورت گزن‌های انتهائی دارد. میوه‌اش گوشته‌دار، به رنگ سیاه مایل به آبی و دارای هسته مسطح در یکی از دو سطح است.